



# جنگ تحمیلی

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ  
تُؤْجَرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای  
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-  
که در این بین چهار تن اجر ببرند:  
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام ، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.







## جنگ تحمیلی

پرسمان سیاسی (۷)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

## جنگ تحمیلی

پژوهشگران	حجت الاسلام روح الله جلالی اصل و آقای محمد رضا عبدالله پور
مصحح	حجت الاسلام روح الله جلالی اصل
ناظر	حجت الاسلام جواد مرادی
چاپ اول	شهریور ماه ۱۴۰۲







## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۱
سخنی با خواننده .....	۱۳
۱. علت جشن گرفتن آغاز جنگ تحمیلی .....	۱۴
نکته اول: .....	۱۵
نکته دوم: .....	۱۶
۲. تحریک صدام به جنگ .....	۱۸
۳. جنگیدن با دست خالی .....	۳۶
نکته اول: متوازن و متنوع نبودن تسلیحات .....	۳۶
نکته دوم: در اختیار قرار نگرفتن تسلیحات .....	۳۸
نکته سوم: نیاز به جایگزینی و به‌روزرسانی تسلیحات در جنگ .....	۳۹
نکته چهارم: دست‌خالی بودن ایران در مقایسه با عراق .....	۴۰
۴. حضور روحانیون در جنگ تحمیلی .....	۴۳
۵. استفاده از نوجوانان در جنگ تحمیلی .....	۴۹
پاسخ تفصیلی: .....	۴۹



۶. آمار و شناسایی شهدای گمنام ..... ۵۵
- پاسخ تفصیلی: ..... ۵۶
۷. پیروز جنگ ..... ۶۸
۱. چرایی رخداد جنگ و تخاصم نظامی. .... ۶۸
۲. اهداف وقوع جنگ میان ایران و عراق. .... ۶۹
۳. خلاصه اهداف رژیم بعثی عراق و پشتیبانان او از تهاجم به  
ایران ..... ۷۳
۴. اهداف ایران در این جنگ چه بود؟ ..... ۷۴
۵. تحقق اهداف طرفین جنگ ایران و عراق ..... ۷۵
- کتابنامه ..... ۷۹



## مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن»، «حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ درباره دفاع مقدس است که با عنوان «جنگ تحمیلی» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب  
حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه  
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه  
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به  
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



## سخنی با خواننده

دهه اول انقلاب که دوران نظام سازی و رهبری امام خمینی رحمه الله علیه است با پدیده‌ای ویرانگر، پیچیده و پرتنش به نام جنگ تحمیلی گذشت. دورانی که از آن با عنوان دفاع مقدس یاد می‌شود. ایامی که علاوه بر برکات عظیم معنوی، خسارات مادی فراوانی به همراه داشت که تا امروز تبعات آن باقی است. زمانی بکار بردن عنوان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، مردم را بیش از هر چیزی به یاد فرهنگ شهادت و ایثار و حماسه مقاومت می‌انداخت و یاد و خاطره آن ایام، اشک‌ها را از عمق جان سرازیر می‌کرد؛ اما در کنار این احساس، احساسی دیگر نسبت به تاریخ جنگ در حال رشد و تکثیر است. احساسی سرشار از تردید، خیانت، حقارت، نفرت و خسارت که نتیجه انباشتی از سؤالات، شبهات و تردیدها نسبت به چند و چون این جنگ طولانی و عظیم است. مهم‌تر اینکه این سؤالات در گروه و جبهه‌ای خاص جریان نداشته و شامل موافقان و مخالفان و منتقدان انقلاب اسلامی است. پاسخ ندادن به این سؤالات علاوه بر جفا به حماسه‌سازان و سربازان این میهن اسلامی، ایجاد تردید در تداوم روحیه دفاع و مقاومت در جامعه است. در این نوشتار بر آنیم که بخشی از این سؤالات را پاسخ دهیم و استدلال و اندیشه خویش را تقدیم نگاه پرسشگران و پژوهشگران گرامی کنیم.

روح‌الله جلالی

شهریور ۱۴۰۲



## ۱. علت جشن گرفتن آغاز جنگ تحمیلی

پرسش:

در همه جای دنیا پایان جنگ را جشن می‌گیرند و در ایران آغاز آن را. آیا این عادی و قابل دفاع است؟

پاسخ:

شروع یک حادثه ناگوار مانند جنگ، آشوب های خیابانی، بلایای طبیعی و... برای همه مردم دنیا دردناک است و پس از عبور از آن، همه سعی می‌کنند آن را فراموش کرده، به جای آن با بزرگداشت روز مقابله با بحران یا پیروزی در جنگ، اعتماد به نفس جامعه خود را بالا ببرند؛ اما برخلاف تمام دنیا ما روز شروع جنگ تحمیلی و هفته آغازین آن را جشن می‌گیریم؛ بنابراین این پرسش همواره مطرح است که ما چرا سالروز شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که یادآور تجاوز کشور عراق که ایامی بسیار تلخ است را گرامی می‌داریم؟ حال اینکه کشورهای دیگر، به طور معمول پایان جنگ، اعم از اینکه پیروز آن بوده باشند و به فتح ختم شده باشد یا با صلح و آتش بس به پایان رسیده باشد، گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند؟ ما با چه منطقی آغاز جنگ را جشن می‌گیریم؟

برای پاسخ به این پرسش با دو مسئله مواجهیم؛

الف. اینکه چرا آغاز جنگ را جشن می‌گیریم؛

ب. اینکه چرا پایان جنگ را جشن نمی‌گیریم؟



۱. چرا آغاز جنگ را برخلاف دیگر کشورها جشن می‌گیریم؟

### نکته اول:

برای پاسخ به این سؤال توجه به این نکته ضروری است که درست است یکروی سکه جنگ تحمیلی علیه کشور ما تجاوز است، اما روی دیگر آن، دفاع از سرزمین، خاک، ناموس و اسلام و مقاومت در مقابل دشمن است؛ مقاومت در روزگاری که ساختارم‌اند نبودن ارتش ایران به دلیل فرار بسیاری از امرایش، اعدام برخی از سران خائن آن و مهم‌تر از آن، نبود مستشاران نظامی آمریکایی آشنا به تجهیزات، نبود اقتدار کامل دولت مرکزی و تحرکات متعدد در شهرهای مختلف و به‌ویژه مناطق خاص مرزی توسط ضدانقلاب و فتنه‌انگیزی‌های برخی منافقان، همه و همه نوید پیروزی شیرین و زود هنگامی به صدام حسین و حامیان غربی و عربی‌اش می‌داد. در چنین شرایطی مقاومت مردم مناطق مرزی، اعزام نیروهای خودجوش مردمی، شکل‌گیری گردان‌های جنگ‌های نامنظم با فرماندهی شهید چمران باعث گره خوردن کار صدام در مرزهای غربی و جنوب غربی کشور شد؛ بنابراین اگر ما روز آغازین جنگ تحمیلی را جشن گرفته و به عبارت صحیح‌تر گرامی می‌داریم درواقع روز آغاز مقاومت ملت ایران و روز آغاز دفاع از خاک وطن را گرامی داشته و مبارک می‌دانیم؛ تنها دفاعی که صد تاریخ معاصر ایران در آن حتی یک وجب از خاک کشور جدا نشد.



## نکته دوم:

نکته دیگری که می‌توان در تبیین منطق جشن گرفتن آغاز جنگ بیان کرد، این است که مسئله جهاد چه از نوع ابتدایی و چه دفاعی آن در دین و آیین مردم مسلمان ایران امری مقدس است و از این‌روست که جنگ تحمیلی ما با عنوان دفاع مقدس توصیف می‌شود. پس اگر آغاز جنگ تحمیلی را جشن می‌گیریم، در واقع شروع تکلیفی با عنوان جهاد دفاعی را به‌عنوان امری دینی و مقدس جشن می‌گیریم.

از طرفی این نکته را هم نباید نادیده گرفت که با وجود همه رنج‌ها و سختی‌ها و مصیبت‌هایی که جنگ تحمیلی با خود به همراه داشت، جنگ یک کارخانه انسان‌سازی بود و افزون بر رشد رزمندگان از نظر معنوی که به تعبیر امام خمینی ره برخی از آن‌ها «ره صدساله را یک‌شبه رفتند»،<sup>۱</sup> آن‌ها را در عرصه مدیریت جهادی و امنیتی، صاحب تجربه‌هایی ساخت که می‌توان گفت امروز بخشی از توانمندی‌هایی که بدان دست‌یافتیم حاصل تجربه‌هایی است که در طول دفاع مقدس به دست آوردیم؛ بنابراین، از این منظر نیز می‌توان منطق جشن آغاز جنگ تحمیلی را تبیین کرد.

## ۲. چرا پایان جنگ را جشن نمی‌گیریم؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، اگرچه در مجموع پیروز نهایی جنگ تحمیلی ایران بود و عراق پس از جنگ، نه تنها از تمام ادعاهایش دست

۱. رک: طباطبایی، فاطمه، «ره صدساله»، ص ۵۵۱.





کشید، بلکه اقتدار ایران را با شکست به رخ کشورهای بلوک غرب و شرق حامی خود کشید؛ اما پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل که به نوعی آتش بس با یک دولت متجاوز، ستمگر و یاغی و بدون تنبیه مورد نظر ایران محسوب می شد، در نظر امام خمینی ره با تعبیر نوشیدن جام زهر همراه بود و کام تمام رزمندگان از پذیرش آن تلخ شده بود. اگرچه ممکن بود فضای عمومی جامعه از شنیدن این خبر همراه با شور و شغف بوده باشد؛ بنابراین از این منظر، چون پایان جنگ تداعی کننده این خاطره تلخ است، به عنوان زمان مناسبی برای جشن پذیرفته نشد.

### نتیجه:

از آنچه بیان شد، روشن می شود که جشن یا گرامیداشت آغاز جنگ تحمیلی از آن رو که روز آغاز دفاع همه جانبه ملت ایران در مقابل دشمنان است و از این جهت که روز آغازین جهاد دفاعی به عنوان یک ارزش دینی برای ملت مسلمان ایران است جشن گرفته می شود. نه اینکه ما آغاز تهاجم و تحمیل جنگی خانمان سوز به کشورمان را شایسته شادمانی و گرامیداشت بدانیم.

### کلیدواژگان:

جنگ، دفاع مقدس، گرامیداشت هفته دفاع مقدس، جشن، ۳۱ شهریور.



## ۲. تحریک صدام به جنگ

پرسش:

ایران اقداماتی داشت که صدام را به واکنش و جنگ، وادار کرد. مثلاً شعار صدور انقلاب یا دخالت امام خمینی در مسائل عراق. اخیراً هم مطلبی از آقای دعایی منتشر شده که در همان ایام به صورت واضح هشدار داده و پیش‌بینی کرده که ایران دست به بازی خطرناکی زده است. آیا ما آغازگر جنگ نیستیم؟

پاسخ:

در رابطه با تحریک صدام به جنگ دو مسئله مهم مطرح است. یکی شعار صدور انقلاب و دیگری دخالت امام خمینی ره در عراق. امام در ابتدای پیروزی انقلاب با قاطعیت بیان داشت که «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم».<sup>۱</sup> این سخنی بود که سایر کشورها را به وحشت وامی داشت و آن‌ها انقلاب ایران را دومی‌نوی برای فروپاشی و اخلال در نظام‌های سیاسی خود می‌دیدند.

همچنین عبدالعلی بازرگان فرزند مهندس مهدی بازرگان در مصاحبه‌ای که با یکی از سایت‌های خبری داشت به نقل خاطره‌ای پیش از آغاز جنگ پرداخته و بیان داشته است که در سال ۵۹ سید محمود دعایی سفیر وقت ایران در عراق توسط صدام حسین احضار شده و پس از اعتراض شدید

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه/امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸.



نسبت به دخالت‌های جمهوری اسلامی در عراق تأکید کرده که من حاضرم شخصاً به ایران بیایم و اختلافات خود با ایران را حل کنم وگرنه به حمله نظامی متوسل خواهم شد؛ اما علی‌رغم اصرار دعایی و اعضای برجسته شورای انقلاب، امام خمینی هیچ اعتنایی به این موضوع نکرد و ماجرا را نادیده گرفت.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> «روزی در سال ۱۳۵۹ از شورای انقلاب از من خواستند برای مشورت در مسئله مهمی در جلسه شورا شرکت کنم. وقتی به جلسه رفتم دیدم آقای دعایی سفیر ایران در عراق نیز در جلسه حضور دارد. گفتند آقای دعایی گزارشی دارند. آقای دعایی بیان کرد که... هفته گذشته صدام حسین مرا احضار کرد و پس از بیان اعتراض شدید به دخالت‌ها و اخلاص‌ها، گفت این وضع برای من قابل تحمل نیست. شما بروید تهران و به آقای خمینی بگویید من اولین دولتی بودم که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناختم و اگر اجازه بدهند من (صدام) خودم شخصاً به ایران می‌آیم تا با مذاکره اختلافاتمان را حل کنیم اگر مایل نیستند با من مذاکره کنند، من یک هیئت عالی‌رتبه به ایران می‌فرستم و یا دولت ایران یک هیئت عالی برای مذاکره به عراق بفرستد تا اختلافات فی‌مابین حل شود زیرا ادامه این وضع برای من قابل تحمل نیست و من برای خاتمه دادن به این وضع به ایران حمله نظامی خواهم کرد. سپس آقای دعایی تأکید کرد این آدمی است که حمله خواهد کرد. شورای انقلاب تصمیم می‌گیرد که آقای دعایی به‌اتفاق آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر بهشتی برای بیان ماجرا و تعیین تکلیف به دیدار رهبر انقلاب بروند. در این دیدار ابتدا آقای دعایی شرح کامل ماجرا و نهایتاً تهدید صدام را بیان می‌کند. رهبر انقلاب در پاسخ به او می‌گویند مجلس نگذارید. سپس آقای مهندس بازرگان به استدلال می‌پردازد که... رهبر انقلاب در پاسخ می‌گویند گفتن مجلس نگذارید. مجدداً آقای دکتر بهشتی شروع به استدلال می‌کند اما آیت‌الله خمینی تا سخن او پایان گیرد تحمل نمی‌کنند و از جایشان برمی‌خیزند



همچنین جمله‌ای معروف از امام خمینی خطاب به ملت عراق با این محتوا منتشر شده است که:

«شما از پشت، خنجر به او (صدام) بزنید. قیام کنید. اعتصاب کنید. راهپیمایی کنید برخلاف. اقتصادش را فلج کنید. ندهید مالیات به او؛ و پول آب و برق را ندهید. چیزهای دیگر را که می‌خواهند، ندهید. زیر بار نروید و تظاهرات بکنید و راهپیمایی بکنید. منفجر کنید جاهایی را که مال دولت است.»<sup>۱</sup>

این صحیح است که صدام تجاوز نظامی به ایران را آغاز کرد اما با این اوصاف، دلیل تجاوز نظامی عراق، تحریک دولت عراق توسط امام خمینی و رفتارهای نظام جمهوری اسلامی نبود؟

---

و برای بار سوم تکرار می‌کنند که گفتم محلس نگذارید و به‌طرف در اندرونی حرکت می‌کنند. آقای دعایی که بسیار ناراحت شده بود می‌گوید آقا من به بغداد نخواهم رفت. آقای خمینی که نزدیک در اندرونی رسیده بودند، پس از تأمل کوتاهی رویشان را به‌طرف دعایی برگردانده و می‌گویند وظیفه شرعی‌ات است که بروی و بدون اینکه منتظر پاسخ شوند، به قسمت اندرونی وارد می‌شوند. آقایان به شورای انقلاب برمی‌گردند و آقای دعایی بسیار ناراحت بوده درحالی‌که گرمی می‌کرده است می‌گوید به خدا قسم او (صدام) حمله خواهد کرد. هیچ‌کس کاری نمی‌تواند بکند و مدتی بعد عراق به ایران غافلگیرانه حمله می‌کند

روایت دعایی از دیدار با صدام، روزنامه شرق، ۱۴ آذر ۱۳۹۴،

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-۸۰۲۴۴>

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۳ ص ۲۳۸ و ۲۳۹.



۱. خاطره آقای عبدالعلی بازرگان مخدوش و تحریف شده است. مأموریت آقای سید محمود دعایی در عراق، پیش از تاریخ مذکور (۱۳۵۹) یعنی در اسفند ۱۳۵۸ به پایان رسیده و ایشان پس از بازگشت به عنوان مسئول، در روزنامه اطلاعات مشغول به کار شده است.<sup>۱</sup>

سید محمود دعایی بعد از انتشار این ادعا، به صراحت اعلام کرد که در طول مأموریت خود در عراق (۱۵ خرداد ۵۸ تا اسفند ۵۸)، تنها دو بار به صورت تشریفاتی و در مراسم رسمی و عمومی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران، صدام حسین را به صورت طبیعی ملاقات کرده است<sup>۲</sup> و ماجرای احضار و توبیخ و تهدید صدام، کاملاً جعلی است؛ اما آقای دعایی دقیقاً در خاطرات خود که بیش از ده سال پیش منتشر کرده است راجع به این ماجرا این چنین آورده است که در طول دوران سفارت خود طی چند ملاقات به امام راجع به وضعیت عراق و اصرار آنان به مذاکره سخن گفتم که امام پس از بررسی و تأمل بیان داشت که فرستادن شخصی از طرف من مصلحت نیست چراکه عراقی‌ها بعید است حسن نیت داشته باشند و بهتر است این کار بعد از تشکیل دولت و مجلس در کشور انجام شود. عراق

---

۱. دعایی، سید محمود، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، ص ۱۷۴.

۲. روایت دعایی از دیدار با صدام، روزنامه شرق، ۱۴ آذر ۱۳۹۴.



نیز در حال توطئه در ایران بود.<sup>۱</sup> دعایی با ذکر کارشکنی‌های عراق روایت خود از آغاز جنگ را این‌گونه ادامه داده است که عراقی‌ها برای جنگ،

۱. «در رابطه با پیش‌بینی جنگ و کلاً در رابطه با عراق من چند ملاقات با حضرت امام داشتم و به ایشان عرض کردم که عراقی‌ها اهداف و برنامه‌هایی دارند و در شرایط کنونی، تاکتیک اصرار بر مذاکره و نشست را تعقیب می‌کنند. من در یک ملاقات دوساعته در قم به ایشان وضعیت مبارزین عراقی را گفتم و از اهمیت مبارزاتشان صحبت کردم. همچنین درباره شیوه‌هایی که می‌تواند کاربرد بهتری داشته باشد سخن گفتم و بیان کردم که عراقی‌ها اصرار دارند یک شخصیت رسمی خارج از دولت موقت و مرتبط با شخص حضرت‌عالی با آن‌ها مذاکره کند. شخصی که قرار بود با ما مستقیماً مذاکره کند خود صدام بود.

امام فرمودند: من باید فکر کنم و بعد بگویم. روز بعد که به خدمت ایشان رسیدم امام فرمودند: من تصور می‌کنم که عراقی‌ها حُسن نیت ندارند و قصد فریب ما را دارند و من مصلحت نمی‌دانم در این شرایط شخصی را از طرف خودم بفرستم. این مسئله باشد تا انتخابات انجام شود و کشور نظم خود را بیابد. یعنی رئیس‌جمهور، مجلس و دولت منتخب مجلس داشته باشیم.

در مناسبتی که در یکی از جلسات شورای انقلاب شرکت کردم تأکید کردم که اگر بنا بر حفظ روابط در سطح عالی است در برخوردها و شیوه‌های ارتباطی تجدیدنظر کنید. در آن روزگار هر یک از روزنامه‌ها، رسانه‌ها و بخش‌های مختلف رادیو و تلویزیون، سازی جداگانه می‌زدند. مثلاً رادیو اهواز که برنامه عربی داشت توسط مخالفین رژیم عراق اداره می‌شد و آنچه احزاب و سازمان‌های مبارز عراقی می‌خواستند، پخش می‌شد. بدیهی است که این سخنان در ارتباط ما و عراق و تلقی آن‌ها از انقلاب اسلامی تأثیر می‌گذاشت. شورای انقلاب نسبت به فرستادن فردی که به‌طور رسمی با عراق مذاکره کند تردید داشت. امام معتقد بودند مذاکره فایده‌ای ندارد. زیرا عراق قصد فریب ما را دارد و نمی‌خواهد با ما و انقلاب اسلامی ما کنار بیاید. عراق از بهترین فرصت ممکن یعنی از زمانی که ما درگیر مسائل داخلی و بحران‌های بعد از انقلاب



برنامه‌های مدون از پیش تعیین شده داشتند. آن‌ها حتی قبل از پیروزی انقلاب درصدد بهره‌گیری از اوضاع داخلی ایران و حل مسائل و مشکلات خود بودند. وی معتقد بود که عراق به دنبال زمینه‌چینی در منطقه بود و بخشی از مسیر ابرقدرت‌ها علیه ایران را طی می‌کرد.<sup>۱</sup>

بودیم استفاده کرد و سعی نمود تا در درون کشور اختلاف و دو دستیگی ایجاد کند. بنابراین با استفاده از گروهک‌های سیاسی تحت نفوذ خود بعضی از استان‌های مرزی ما را به جدایی‌طلبی و استقلال تحریک کرد تا از طریق ایجاد درگیری‌های داخلی و قومی یعنی داشتن داعیه استقلال در استان‌های مرزی، ما را وادار به سازش و تسلیم نماید و به‌نوعی به خواسته‌های خود برسد.» دعایی، سید محمود، *گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی*، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۱. «البته عراقی‌ها برنامه‌های مدون از پیش تعیین شده داشتند. آن‌ها حتی قبل از پیروزی انقلاب درصدد بهره‌گیری از اوضاع داخلی ایران و حل مسائل و مشکلات خود بودند و اصولاً بعد از تسلیم شدن به خواسته‌های رژیم شاه و بالاخره توافق الجزایر، همیشه درصدد انتقام و جبران شکست بودند و نسبت به استان زرخیز خوزستان طمع داشتند. آن‌ها با سقوط شاه داعیه قدرت برتر منطقه و ژاندارمی خاورمیانه را پیدا کردند و بدیهی است که از بروز یک قدرت مستقل در مقابل شرق و غرب در منطقه هراس داشتند و طبیعتاً برای ضربه زدن به این دولت مستقل از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کردند و از هر توانی برای ضربه زدن استفاده می‌نمودند. به عبارت دیگر باید به این نکته توجه داشت که صدام در حقیقت مقدمات جنگ علیه ایران را از آبان ۵۷ (سه ماه قبل از پیروزی انقلاب) آغاز کرد و اولین قرارگاه اطلاعاتی و عملیاتی جنگ را از همان موقع در بصره تأسیس کرد و برادرش برزان تکریتی را مسئول قرارگاه کرد. یعنی با اعلام انحلال ساواک و مراکز قدرت امنیتی و سیاسی رژیم شاه و با فروپاشی نظم سابق و از هم



پس از یک دهه و با مطرح شدن این ماجرا (گریه ایشان و بی‌اعتنایی امام)، ایشان به صراحت مواردی که پیش از این بیان کردیم را در رد این ادعا توضیح داد و در پاسخ به این سؤال که «کلاً فکر می‌کنید که امکان این وجود داشت که با همه تحریکاتی که صورت گرفته بود، از وقوع جنگ جلوگیری شود؟» تأکید کرد:

گسستن بدنه ارتش که در واقع پس از فرار سربازان از پادگان‌های ایران آغاز شده بود، صدام به فکر انتقام از ایرانی‌ها افتاد و درصدد برآمد تا حقارتی را که در درون از زمان امضای قرارداد الجزایر به دست خودش به دلیل تسلیم در برابر شاه احساس می‌کرد، جبران کند. علاوه بر این انگیزه مؤثر، او به درستی درک کرده بود که با فروپاشی نظام دیکتاتوری شاه و تشکیل حکومتی مردمی و اسلامی در کنار مرزهایش پایه‌های دیکتاتوری حزب بعث عراق هم متزلزل می‌شود. پس باید در جهت تضعیف و صدمه زدن به این نظام نوپا از هیچ کوششی دریغ نکند. به اضافه، ماهیت و طبیعت وابستگی صدام به بیگانگان، زمینه تحریک‌پذیری و تشویق وی را به جنایت فراهم می‌کرد. او برای این همه، نیاز به زمینه‌چینی داخلی و منطقه‌ای و برداشتن موانع از سر راه داشت. البته «حسن البکر» رئیس‌جمهور عراق به دلیل پختگی و درک روشن از تجارب جهانی، مانع جدی به حساب می‌آمد. لذا با کودتای درون‌حزبی، وی را وادار به استعفا کرد و بعد هم از میان برداشت و با به دست گرفتن قدرت تام، اهداف خود را دنبال کرد. ابتدا برخی از حکام دیکتاتور منطقه را از حضور حکومتی مردمی و انقلابی در ایران به هراس انداخت و خود را حامی آنان در قبال موج مردمی آزادیخواهی منطقه‌ای معرفی کرد و سپس به ضدانقلاب فراری و موجود در میهن ما هم امید و امکان ضربه زدن داد.

دعایی، سید محمود، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.





«زمانی می‌توانست از جنگ پیشگیری شود که ما تسلیم خواسته‌های عراق شویم و از حاکمیت ملی خود صرف‌نظر کنیم. هیچ انقلابی تن به این کار نمی‌دهد. آن‌ها می‌خواستند که مسئله ارون‌دروود را برخلاف قرارداد الجزایر کأن لم یکن<sup>۱</sup> تلقی کنند و مدعی شوند که شط‌العرب<sup>۲</sup> برای آن‌هاست. آن‌ها سر مسائل جزایر سه‌گانه<sup>۳</sup> مدعی بودند که این جزایر برای ایران نیست و باید به صاحبان عربی آن‌ها بازگردد. همچنین نسبت به هم‌وطنان عرب‌زبان و گُردزبان خود تنازلاتی داشته باشیم. در حقیقت عراقی‌ها می‌خواستند که در شرایط اول انقلاب که ما ارتش مناسبی نداشتیم، از آن موقعیت سوءاستفاده کنند و ما را تسلیم شرایط خود کنند.»<sup>۴</sup>

حتی اگر حجت‌الاسلام سید محمود دعایی این خاطره را تکذیب نکرده بود دلایل متعددی وجود داشت که اطمینان حاصل کنیم که دلیل آغاز جنگ، تحریک ایران نبوده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱. گویی که از اول نبوده است.

۲. ارون‌دروود

۳. ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک.

۴. روایت دعایی/از دیدار با صدام، روزنامه شرق، ۱۴ آذر ۱۳۹۴.

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-۸۰۲۴۴>



۲. اگر تصور کنیم که صرف تهدید صدور انقلاب یا سخنرانی‌ها و دخالت‌های امام در عراق، موجب تهاجم نظامی یک کشور به کشوری دیگر است، در تحلیل چرایی وقوع جنگ، مسامحه کرده‌ایم. اساساً جنگ‌ها صرفاً بنا بر تهدید و تحریک رخ نمی‌دهد، بلکه پایه اصلی جنگ‌ها تضاد منافع و اطمینان از پیروزی است. اگر به مناسبات بین‌المللی بنگریم متوجه خواهیم شد که بخش بزرگی از کشورهای جهان به‌صورت مداوم در حال تحریک و تهدید کشورهای همسایه و غیر همسایه خود بوده و دلایل زیادی وجود دارد که هر آنچه ما تهدید و تحریک می‌شمریم ابداً به جنگ منجر نشود؛ اما وقتی کشوری برای به دست آوردن منافع مٌصر بوده و منافع جنگیدن را به هزینه‌اش ترجیح بدهد وارد جنگ خواهد شد.

۳. معنای صدور انقلاب، صدور نظامی نبود. امام خمینی ره به‌صراحت بیان کرده بود:

«ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم؛ اما آنکه ما می‌توانیم این است که به‌وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به‌وسیله همین صداوسیما، به‌وسیله مطبوعات، به‌وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد



شد. بشر به فطرتش یک فطرت سالم است، اگر یک چیزی را القا بکنند، روی فطرت سالم خودش قبول می‌کند و قدرتمندها از همین معنا می‌ترسند؛ بنابراین ما یک وظیفه بسیار بزرگ بر عهده داریم. نه ما تنها، همه مسلمان‌ها و نه شما تنها، همه قشرهایی که در ایران و در خارج ایران هستند و متعهد به اسلام هستند، وظیفه بزرگی داریم و آن اینکه اسلام را آن طوری که هست، آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن‌طور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توپ و تانک بیشتر می‌تواند مؤثر باشد. آن چیزی که با ارشاد حاصل بشود، قلب مردم را برمی‌گرداند؛ و این کار، این هنر از اسلام می‌آید و این هنر از احکام اسلام می‌آید، نه با یک توپ و تانک بخواهد کار بکند.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه پاسخ به این پرسش است که کدام کشور صاحب نفوذی است که به دنبال جهانی کردن ایده‌های حکمرانی و سبک زندگی خود نیست؟ غرب و شرق عالم چندین دهه برای صدور تفکر لیبرالیستی از یک سو و مارکسیستی از سوی دیگر منازعات پرهزینه و خانمان‌سوز غیرقابل شمارش و جنگ‌های خونین متعددی به راه انداختند و امروز برای

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۶۴.



گسترش افکار و منافع خود به همه جای عالم لشگرکشی می‌کنند. آنگاه امام خمینی ره که صدور مکتب اسلام و بیداری اسلامی و قیام مستضعفین عالم علیه مستکبرین را به عنوان یک واقعیت مطرح کرد، متهم به تحریک است! چرا بعد از آن تا به امروز که هزاران بار سخنان تهدیدآمیز و تندتری از سوی مسئولین نظام به ابرقدرت‌ها اعلام شده است، کسی به ایران حمله نکرده است!

۴. سخنانی که از امام خمینی ره مبنی بر آتش زدن و راهپیمایی در عراق منتشر شده است تحریک به آغاز جنگ نیست بلکه این سخنان، چند روز بعد از آغاز جنگ تحمیلی و در واکنش به جنایات داخلی و خارجی صدام حسین و رژیم بعثی عراق ایراد شده است. این سخنان مربوط به تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۵۹ است.<sup>۱</sup> جنگ ایران و عراق ۲۶ و یا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. برخلاف ادعاهای مطرح شده، این صدام بود که به دخالت مستقیم و توطئه عملیاتی در ایران مشغول بود. اخراج هزاران ایرانی از عراق در نیمه دوم ۱۳۵۸ ش؛ توزیع اسلحه بین عوامل ضدانقلاب، حمایت از بمب‌گذاران و طراحی انفجارهای مکرر در خطوط راه آهن و تأسیسات نفتی؛ پناه دادن به ژنرال‌های فراری حکومت پهلوی؛ انتخاب اسامی مجعول برای شهرهای ایران در نقشه‌ها و کتاب‌های درسی (عراق اهواز را «الاحواز»، خرمشهر را «محمره»، آبادان را «عبادان»، سوسنگرد را «خفاجیه»

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.



و بالاخره خوزستان را «عربستان» نامید. و الحاق خیالی این شهرها به قلمرو جغرافیائی عراق؛ تحریکات و تجاوزات مکرر مرزی (دهها مورد یادداشت رسمی اعتراض از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به سفارت رژیم عراق در تهران ارسال شده است)؛<sup>۱</sup> انعقاد قراردادهای خرید هواپیماهای میراث، میگ و توپولف (این قراردادها پس از پیروزی انقلاب و قبل از جنگ منعقدشده است)؛ تقویت بدون دلیل نیروهای عراقی در مرز مشترک دو کشور و ایجاد موانع از قبیل سنگرهای بتونی، سیمهای خاردار و ... صدها نمونه دیگر از اقدامات مقدماتی صدام برای فراهم آوردن زمینه یک تهاجم گسترده نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. صدام در ۲۳ اسفند ۱۳۵۹، آشکارا از عناصر مخالف انقلاب اسلامی پشتیبانی و اعلام کرد: «ما به کلیه ملت‌های ایران، به‌ویژه به ملت کرد ایران و ملت بلوچستان و آذربایجانی‌ها و تمامی وطن‌دوستان واقعی و شریف، غیر از نادانان و آنان که با استعمار رابطه دارند، اعلام می‌کنیم که برای ایجاد روابطی استوار با آنان، به‌قصد دستیابی به حقوق ملی و میهنی خود آمادگی داریم ... ما آمادگی هرگونه کمکی را اعم از سلاح و مسائل دیگر

۱. رک: وزارت امور خارجه اداره کل امور حقوقی، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه



که در راه ایجاد این روابط بدان نیاز دارند، تقدیم کرده، در اختیارشان بگذاریم...»<sup>۱</sup>.

۵. عدم مذاکره دولت ایران با صدام هم یک دروغ بزرگ و تحریف تاریخ است. از همان ابتدا دولت ایران به دنبال حل مسائل از طریق مذاکرات و صدام حریص به جنگ و طمع‌کار در ایران انقلابی و آشفته بود.<sup>۲</sup> در یک فایل ویدئویی صلاح عمر علی - سفیر عراق در سازمان ملل (۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱) در رابطه با ملاقات خود با صدام در سال ۱۳۵۸ ش یک سال پیش از حمله به ایران بیان کرده است که دکتر ابراهیم یزدی (وزیر خارجه وقت ایران) مایل به ملاقات و مذاکره با عراق بود که سعدون حمداوی (وزیر خارجه وقت عراق) نپذیرفت که در این مورد با صدام صحبت کند، پس از امتناع سعدون شخصاً صدام را راضی به این ملاقات کرده است و پس از ملاقاتی که ظاهراً بسیار عالی پیش رفته است، صدام به صلاح عمر علی گفته است که این فرصتی است که شاید در طول هر قرن بیشتر از یک‌بار اتفاق نیفتد. این‌ها اهواز را از ما گرفتند. شط‌العرب را از ما گرفتند، ما را تهدید کردند. می‌خواهند انقلابشان را برای ما صادر کنند. الآن که دچار

۱. بی نام، ستیز با صلح، ص ۵۱.

۲. متن کامل مذاکرات ابراهیم یزدی با صدام حسین در هاوانا (۱۰ شهریور ۱۳۵۸)، تاریخ ایرانی،



از هم گسیختگی هستند، دچار تفرقه هستند و بینشان درگیری است، این یک فرصت تاریخی است که ما تمامی حقوق مان را از آن‌ها پس بگیریم.<sup>۱</sup>

۱. صلاح عمر علی: «دکتر ابراهیم یزدی (وزیر خارجه وقت ایران) مایل به ملاقات و مذاکره با عراق بود که سعدون حمداوی (وزیر خارجه وقت عراق) نپذیرفت که در این مورد با صدام صحبت کند، ... خودم رفتم پیش صدام حسین و موضوع را به او گفتم. او قبل از پذیرفتن گفت نظر تو چیست؟ به او گفتم این فرصت بسیار مهمی است، این پیشنهاد از طرف ایرانی‌ها آمده، ما دو کشور همسایه هستیم و بی‌نیاز هستیم از اینکه بین ایران و عراق مشکلی ایجاد شود. ایران هم مشکلاتی دارد اما نباید مشکلاتی بین ما باشد. صدام گفت فردا بعد از اجلاس عدم تعهد در خانه‌ای که سکونت دارم بگو که با وزیر خارجه ایران دیدار خواهم کرد. بعد دکتر یزدی آمد، از او استقبال کردم و صدام هم از او استقبال کرد. ما نشستیم و گفتگو در مورد مشکلات دو کشور شروع شد. گفتگوها بسیار مثبت بود و برای دکتر ابراهیم یزدی بسیار اهمیت داشت و بیشترین تلاش را کرد که مشکل دو کشور را بتواند حل کند. صدام هم به همین شکل و بسیار مثبت و دیپلماتیک در گفتگو مشارکت می‌کرد. قرار شد گروه‌هایی از دو طرف برای ادامه مذاکرات و جلوگیری از اختلافات معرفی کنیم. من یزدی را تا در بدرقه کردم و او خیلی از من ممنون شده بود. مرا بوسید و به گرمی خداحافظی کرد و رفت. برگشتم به سمت صدام، او منتظر من بود. من را به بیرون تالار برد؛ گفت به چی فکر می‌کنی صلاح؟ گفتم و الله من در حقیقت در حس آن دیدار هستم و خیلی خوشحالم و خوش‌بین شدم و ان شاء الله این مشکل به‌زودی حل خواهد شد. چون در دستان شما است نه وزیر و کارمند و .... من به‌عنوان یک عراقی خوشحال بودم. صدام به من گفت: صلاح چند سال است در زمینه دیپلماسی کار می‌کنی؟ گفتم حدود ده سال. من را غافلگیر کرد و گفت صلاح می‌دانی این دیپلماسی چقدر تو را خراب کرده؟! ... چه حل مشکلی؟ این فرصتی است که شاید در طول هر قرن بیشتر از یک‌بار اتفاق نیفتد. این‌ها اهواز را از ما گرفتند. شط‌العرب را از ما گرفتند، ما را تهدید کردند. می‌خواهند انقلابشان را برای ما



۶. غیر از تمام این مباحث، صدام به صراحت دلیل حمله به ایران را در سخنرانی مهم خود در شامگاه هفده سپتامبر ۱۹۸۰ (بیست و ششم شهریور ۱۳۵۹)، درست پنج روز پیش از آنکه جنگ تمام‌عیار عراق علیه ایران آغاز شود، در جمع نمایندگان مجمع ملی عراق که از رسانه‌ها پخش شد ایرانیان را تهدید کرد که یا اراضی تصاحب‌شده که متعلق به عراق و ملت عرب است یا پس بدهند وگرنه، ثابت کرده‌اند که عامل نیروهای امپریالیست و صهیونیست و نژادپرستان ارتجاعی هستند که نسبت به ملت عرب، نفرت و خصومت دارند. وی قرارداد الجزایر را بی‌ارزش خواند و رسماً ایران به تهدید به حمله سخت نظامی کرد.<sup>۱</sup> در همین نطق تاریخی بود که صدام در مقابل دوربین‌ها قرارداد الجزایر را پاره کرد.

---

صادر کنند. الآن که دچار ازهم‌گسیختگی هستند، دچار تفرقه هستند و بینشان درگیری است، این یک فرصت تاریخی است که ما تمامی حقوقمان را از آن‌ها پس بگیریم»  
صدام یک سال قبل از آغاز جنگ به فکر حمله به ایران بود! - سخنان اولین کسی که از تصمیم صدام آگاه شد، پایگاه خبری تحلیلی جماران، + فیلم، ۱۴ اسفند ۱۴۰۱،

<https://www.jamاران.news/fa/tiny/news-۱۵۸۷۱۹۹>

۱. «ما از ایرانیان می‌خواهیم که به صدای حق و منطق پاسخ دهند، صدایی که از آن‌ها می‌خواهد روابط حسن هم‌جواری را با عراق و ملت عرب حفظ کنند و هر وجب از اراضی را که از عراق و ملت عرب به‌زور تصاحب کرده‌اند، پس بدهند و اگر پاسخ ندهند، ثابت کرده‌اند که عامل نیروهای امپریالیست و صهیونیست و نژادپرستان ارتجاعی هستند که نسبت به ملت عرب، نفرت و خصومت دارند. ... بنابراین روابط حقوقی در شط‌العرب باید به آنچه قبل از ۶ مارس ۱۹۷۵





۷. رژیم بعث عراق و صدام، متجاوز، تندرو و به شدت خونریز بودند و منتظر تحریک ایران نبودند و برای این ادعا دو شاهد واضح وجود دارد. یکی همان‌طور که پیش از این بیان گردید حمله پیش از انقلاب عراق به ایران که قدرت اصلی در آن دوران هم صدام بود و حتی وی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور عراق به همراه شاه قرارداد الجزایر را امضا کرد. دیگری حمله سریع و متجاوزانه صدام به کشورهای متحد خود بعد از اتمام جنگ ایران و عراق. دقیقاً اینجا متوجه می‌شویم که چرا امام خمینی ره، اعلام حسن نیت وی را جدی نمی‌گرفت و او را در آن زمان فردی توطئه‌گر و غیرقابل‌مذاکره می‌دانست. امام خمینی ره در سال ۱۳۶۱ ش به کشورهای اسلامی هشدار داد:

«بدانید که اگر صدام نجات پیدا کند و قدرت را به دست

---

[قرارداد الجزایر] بوده، بازگردد. این رود باید با تمام حقوق مقرر که ناشی از حاکمیت کامل عراق بر آن باشد، هویت عربی و عراقی خود را باز یابد. ... مردم عراق و ارتش آن آماده هستند که در اجرای این تصمیم تاریخی سرسختانه بجنگند. ... این دار و دسته [(اشاره به حاکمان جدید ایران)] به نحو دروغینی و به‌منظور توسعه اراضی خود و به زیان حاکمیت و منافع ملی اعراب از مذهب استفاده کرده‌اند. نقاب دروغین مذهب تنها پوششی است برای مخفی نگه‌داشتن روحیه نژادپرستانه ایرانیان و نفرت عمیق و ریشه‌داری که نسبت به اعراب دارند... ایرانی‌ها برخلاف حقشان، تمام سرزمین‌هایی را که محمدرضا شاه از عراق گرفته بود و جزایر متعلق به اعراب یعنی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را که شاه اشغال کرده بود، در تصرف خود نگه‌داشته‌اند. ...» پارسا دوست، منوچهر، زمینه‌های تاریخی اختلافات ایران و اعراب، ص ۲۰۰.



بگیرد، آدمی نیست که قدرشناسی از امثال شما بکند. آدمی است که جنون بزرگبینی دارد و با این جنون، با شما هم که با او همراهی کردید به جنگ برمی‌خیزد اگر قدرت داشته باشد، شما را تباه خواهد کرد»<sup>۱</sup>

### نتیجه:

اینکه ایران به دنبال این نبود که از طریق مذاکره با صدام مسائل خود را حل کند واقعیت نداشته و برای نشان دادن چهره‌ای متعصب و نادان از مقامات ایرانی است. بعد از مذاکرات بی‌حاصل و شیطنت‌های صدام، امام مذاکره با وی را صلاح ندانست چراکه صدام بارها اثبات کرد که به دنبال راه‌حل نیست و فقط زبان زور را متوجه می‌شود. خاطره متسبب به آقای دعایی تحریف شده است و پیام امام به ملت عراق نیز برای بعد از آغاز جنگ است. اگر قرار بودن صرف تهدید و تحریک عامل جنگ و دلیل تقصیر باشد، عالم همواره شاهد جنگ‌های بی‌پایان جهانی بود. معنای صدور انقلاب هم صدور فکری و مکتبی بود و نه حمله نظامی ایران به سایر کشورها، ضمن اینکه کدام کشور صاحب‌فکری، در پی جهانی کردن افکار خود نیست.

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵۲.

**کلمات کلیدی:**

جنگ تحمیلی، دفاع مقدس، امام خمینی، صدام حسین، تحریک صدام،  
صدور انقلاب، محمود دقایقی.



## ۳. جنگیدن با دست خالی

پرسش:

چرا این قدر بیان می‌شود که ایران با دست‌خالی با دنیا جنگید؟ این همه سلاح و هواپیما و هلی‌کوپتر که شاه خریده بود چه بود؟

پاسخ:

یکی از مسائلی که همواره درباره جنگ تحمیلی به‌خصوص در ایام سالگرد آن توسط رسانه‌ها و مقامات نظامی و غیرنظامی در خاطرات بیان می‌شود، مسئله جنگیدن با دست‌خالی در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح عراق است. سؤال این است که اگر ما در جنگ تحمیلی، دست‌خالی در مقابل ارتش صدام ایستادیم و جنگیدیم، آن‌همه سلاحی که محمدرضا شاه از کشورهای غربی خریداری کرده بود، چه شده بود؟ چطور باوجود آن‌همه سلاح، هواپیما و بالگرد، مدعی هستیم که دست‌خالی در مقابل صدام ایستادیم؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است به چند نکته توجه کنیم تا مسئله به‌طور دقیق روشن شود.

### نکته اول: متوازن و متنوع نبودن تسلیحات

درست است که در زمان محمدرضای پهلوی، ایران تسلیحات بسیاری از کشورهای غربی خریده بود، اما این تسلیحات از تنوع لازم برای نبرد در ابعاد مختلف در میدان جنگ برخوردار نبود. برای نمونه در کنار تمام تسلیحات گران‌قیمتی که شاه از آمریکا خریده بود، موشک بالستیک یکی



از این تجهیزات بسیار ضروری و مهم بود که ارتش ایران در اختیار نداشت. محمدرضای پهلوی بسیار کوشید که از آمریکایی‌ها موشک‌های لانس بخرد که بردی میان ۹۰ تا ۱۲۰ کیلومتر داشت و بر روی شاسی نفربرهای M۱۱۳ نصب می‌شد؛ اما آمریکایی‌ها حتی از فروش چنین موشکی به او امتناع کردند و همین مسئله او را به صهیونیست‌ها برای ساخت موشک نزدیک کرد و پروژه «شکوفه» یا «گل» میان ایران و رژیم صهیونیستی برای ساخت موشک آغاز شد که هرچند با پیروزی انقلاب به نتیجه نرسید، بر اساس آنچه در کتاب «نبرد مخفی با ایران»<sup>۱</sup> منتشر شده است، طبق اظهارات مقام بلندپایه نظامی رژیم صهیونیستی، تمام آن پروژه، کلاهبرداری از ایران بوده است.<sup>۲</sup>

لذا وقتی در سال ۱۳۵۹ شمسی رژیم بعثی عراق نخستین موشک «فراگ ۷» را به دزفول زد، ایران توان مقابله و پاسخ نداشت. تا سه سال وضعیت جنگ به همین صورت بود و عراق به ایران بیش از ۱۷۰۰ حمله موشکی داشت. از آنجا که ایران هم تحریم تسلیحاتی بود و چنین سلاح مهمی هم به ایران داده نمی‌شد، امکان خرید آن نیز چندان میسر نبود؛ بنابراین درباره برخی تجهیزات نظامی، دست ایران در مقابل صدام که ارتشش دومین

۱. این کتاب در سال ۲۰۸۸ میلادی با نویسندگی رون برگمن منتشر، و توسط حسین جاجرمی به فارسی ترجمه، و در انتشارات دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران به چاپ رسیده است.

۲. «از حسرت شاه برای دستیابی به موشک بالستیک تا کلکسیون بزرگ موشکی ایران».



ارتش قدرتمند جهان عرب بعد از مصر بود، به معنای واقعی کلمه خالی بود. صدام به راحتی شهرهای ما را موشکباران می کرد، اما ایران توان پاسخ گویی نداشت. سال ۶۳ گروهی به سرپرستی شهید تهرانی مقدم به سوریه رفتند تا فنون پرتاب موشک را فراگیرند و ۸ موشک اسکاد هم از لیبی خریداری شد. دو فروند موشک اسکاد شلیک نشد و شهید تهرانی مقدم آن ها را تحویل مهندسان ایرانی داد تا از روش ساخت آن ها سر در بیاورند. ۲۱ اسفند همان سال بالاخره نخستین موشک ایران به پالایشگاه کرکوک خورد. بعد هم چند مرکز نظامی مهم عراق هدف قرار گرفت و دست رژیم بعث عراق در این مورد بسته شد.<sup>۱</sup> بنابراین اینکه ما بالگرد و هواپیما یا برخی تجهیزات نظامی دیگر را در اختیار داشتیم، معنایش پر بودن دست رزمندگان ایران در مقابل ارتش صدام نیست.

### نکته دوم: در اختیار قرار نگرفتن تسلیحات

همان تسلیحات نظامی موجود نیز در اختیار ارتش بود و بنی صدر که در ابتدای جنگ، فرمانده کل قوا بود به سپاه و بسیج که تازه تأسیس و بی بهره از امکانات لجستیکی برای جنگ بودند، اما نقش و شجاعت مهمی در ایستادگی مقابل ارتش صدام در ابتدای جنگ داشتند، اجازه استفاده از تسلیحاتی که در اختیار ارتش بود نمی داد و واقعاً در ابتدای جنگ، سپاه و

<sup>۱</sup> قصه ساخت موشک در جهان و التماس های پهلوی به آمریکا، خبرگزاری فارس، ۱۸ شهریور



بسیج با دست خالی و با سلاح‌های سبک در مقابل تجهیزات و تسلیحات سنگین ارتش صدام ایستادگی می‌کردند. رهبر انقلاب دریکی از خاطرات خود نقل می‌کند که «در دوران دفاع مقدس، اوائل کار، به‌خصوص بچه‌های سپاه و بسیج واقعاً چیزی نداشتند؛ سلاح لازم را نداشتند؛ عمدهٔ سلاحشان همین کلاشینکف بود؛ یک تفنگ انفرادی. نمی‌شد با این سلاح جنگید...»<sup>۱</sup>

### نکته سوم: نیاز به جایگزینی و به‌روزرسانی تسلیحات در جنگ

تسلیحات نظامی در جنگ استفاده یا مستهلک می‌شود و باید با هزینه‌های هنگفتی جایگزین یا تعمیر شود که به دلیل وابسته بودن صنایع نظامی ایران در دوران پهلوی و اعمال تحریم‌های شدید تسلیحاتی علیه ایران، امکان تولید و خرید تسلیحات جدید و بازسازی تجهیزاتی که نیاز به جایگزینی داشت وجود نداشت یا باقیمت گزاف و به‌سختی ممکن بود و همین مسئله دست ایران را در مقابلهٔ برابر با ارتش عراق خالی کرده بود. در این زمینه نیز در خاطرات رهبر انقلاب، به‌عنوان یکی از مسئولان وقت در شورای عالی دفاع، آمده است:

«ما آن‌وقت برای یک سلاح متعارف به هیچ جا نمی‌توانستیم مراجعه کنیم؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا نبود که یک سلاح

۱. خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های یزد»، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶،

<https://kh.knf/3416>؛ رک: همدانی، حسین، «جنگ با دست خالی؛ سه روایت شهید همدانی از

دوران دفاع مقدس»، مرکز استاد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۷۲۰۷، ۷۷۰۳۹n.ir/gzB.



متعارف - مثلاً فرض کنید تانک - را بیست تا سی تا اگر می‌خواستیم، به ما بفروشدند. من همان وقت، زمان ریاست جمهوری خودم، سفری کردم به یوگسلاوی، که علی‌الظاهر خیلی هم ما را تحویل گرفتند و احترام کردند و به‌به و چه‌چه هم کردند؛ اما هرچه اصرار کردیم، این‌ها حاضر نشدند به ما همین سلاح‌های متعارف را بدهند. باینکه یوگسلاوی جزو کشورهای مستقل بود، نه جزو غرب بود، نه جزو بلوک شرق بود؛ اما در عین حال حاضر نشدند. دیگران که خب، جای خود دارند».<sup>۱</sup>

### نکته چهارم: دست‌خالی بودن ایران در مقایسه با عراق

وقتی از دست‌خالی ایران در مقابل عراق سخن گفته می‌شود، در مقایسه و نسبت به ارتش عراق است. ارتش ایران در مقابل ارتش عراق به معنای واقعی، دستش خالی بود. ارتش عراق مورد حمایت ۸۰ کشور از بلوک شرق و غرب بود و از سوی همه آن‌ها حمایت تسلیحاتی می‌شد:

«هر وقت عراقی‌ها در جبهه کم می‌آوردند، بلافاصله انواع و اقسام تانک‌های شرقی و غربی برایشان می‌آمد؛ وقتی یک تانکشان ضربت می‌خورد، معطلش نمی‌شدند، جرثقیل را

۱. خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳۸۹/۰۶/۲۵.





می‌آوردند و آن را به داخل هور یا رودخانه پرتاب می‌کردند و از دُور خارجش می‌کردند؛ برایشان اهمیتی نداشت. حالا بچه‌های ما با چه زحمتی این تانک‌های غنیمتی را گیر می‌آوردند، وصله‌پینه می‌کردند و استفاده می‌کردند؛ یعنی از امکانات جنگی - انواع و اقسام مهمات و ابزار - از تاکتیک، از اطلاعات فضایی، از همهٔ انواع پشتیبانی‌ها - پول، پشتیبانی سیاسی و غیره - در اختیار یک‌طرف جنگ بود - که رژیم بعثی بود - و همه در آنجا متمرکز شده بودند».<sup>۱</sup>

این درحالی‌که بود که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی قرار گرفته بود و در مقابل عراق که نیروی نظامی خود را پیش از آغاز جنگ توسعه داده، تقویت کرده بود، امکانات جبههٔ ایران بسیار محدود بود. برای نمونه ارتش عراق ظرف مدت کوتاهی، نیروهای پیاده رزمی خود را از ۱۷۵,۰۰۰ نفر تا ۲۲۰,۰۰۰ نفر، نیروی هوایی و پدافند هوایی خود را از ۲۲,۰۰۰ نفر به ۲۵,۰۰۰ نفر، نیروی دریایی را از ۶۰۰۰ نفر به ۷۰۰۰ نفر

<sup>۱</sup>. خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس»،

۱۳۸۵/۰۷/۲۹



افزایش داد و با تجهیزات گسترده نظامی که در اختیار داشت به ایران حمله کرد.<sup>۱</sup>

### نتیجه:

با توجه به آنچه در متن بدان پرداخته شد، روشن می‌شود که دست جمهوری اسلامی در سال‌های جنگ به‌خصوص سال‌های ابتدایی آن در مقابل رژیم بعثی عراق خالی بود؛ زیرا با تجهیزات در اختیار نیروهای بسیج و سپاه که در آن ایام نقش پررنگی در کنار ارتش برای دفاع از خاک ایران داشتند، قرار نمی‌گرفت، یا تجهیزاتی که از قبل وجود داشت و در جنگ استفاده یا مستهلک می‌شد، به دلیل تحریم‌های شدید و قیمت‌های گزاف بازار سیاه، جایگزین نمی‌شد. از طرف دیگر ارتش عراق همواره از سوی ۸۰ کشور از بلوک شرق و غرب حمایت می‌شد و تسلیحات نظامی به‌طور مرتب در اختیار آن قرار می‌گرفت؛ بنابراین روشن است که باوجود برخی تسلیحات نظامی خریداری‌شده پیش از انقلاب، نسبت به ارتش مجهز عراق، دست نیروهای ایرانی خالی از تجهیزات لازم برای جنگ برابر بود.

### کلیدواژگان:

جنگ تحمیلی، عراق، ایران، دفاع مقدس، تسلیحات نظامی، پهلوی.

۱. رک: «عراق با چه تجهیزاتی به ایران حمله کرد؟»، خبر آنلاین، کد خبر: ۱۴۱۳۳۱۰.

۵F۲khabaronline.ir/xg؛ «مقایسه تسلیحات ایران و عراق در جنگ تحمیلی».



## ۴. حضور روحانیون در جنگ تحمیلی

پرسش:

چرا روحانیون برای مردم از پشت جبهه‌ها برای رزمندگان دعا می‌کردند و جوانان مردم را در مساجد تشویق و به جبهه‌ها و سپس به سینه گورستان می‌فرستادند؟ نمی‌شد خودشان برای بهشت رفتن تلاش کنند؟

پاسخ:

با توجه به فضا سازی رسانه‌ای و حتی آنچه از فیلم‌ها و سریال‌های تولید شده در داخل کشور به ذهن متبادر می‌گردد، حضور کم‌رنگ روحانیون در جبهه‌ها و عملیات‌های جنگ هشت ساله ایران و عراق است. در فیلم‌ها مشاهده می‌شود که یک روحانی در جبهه حضور دارد و آن‌هم مشغول دعا برای رزمندگان و از زیر قرآن رد کردن آنان است یا حتی روحانی ده یا محله در روستا و محله حضور دارد و جوانان را برای رفتن به جنگ تشویق می‌کند. آیا روحانیون وظیفه و رسالت خود را تحصیل و یادگیری علمی و سپس تبلیغ و تعلیم مردم دانسته و اولویت را به کار تربیتی پشت جبهه‌ها می‌دادند؟ در واقع این وظیفه مردم عادی بود که به جبهه‌ها بروند؟

در رابطه با پرسش فوق، مطالب زیر حائز اهمیت است:



۱. تکلیف جنگ، عمومی بود و برای روحانی و غیرروحانی فرقی نداشت. امام خمینی ره به صراحت جنگ را مهم‌ترین وظیفه هر فرد معرفی کرده بود:

«اگر جبهه به نیرو نیاز دارد، آن مقدم است و هر کس باید کارش را بگذارد و به جبهه برود.»<sup>۱</sup>  
همچنین ایشان اعلام کردند که:

«امروز همه ما مکلف هستیم. جوان‌های ما باید این جبهه‌ها را پر کنند از انسان‌های قوی که بحمدالله هم الآن پر کردند،  
لکن بیشتر لازم است»<sup>۲</sup>

۲. روحانیت برخلاف تصویرسازی غیرواقعی، بیشترین حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی و بالاترین آمار شهید و جانباز را داشته است. ۱۷ هزار رزمنده روحانی (اکثریت روحانیون آن زمان) در جبهه‌ای جنگ تحمیلی مشغول دفاع از کشور بودند.<sup>۳</sup> تعداد شهدای روحانی بالغ بر ۳۶۴۱ نفر بوده که شامل ۱۵/۵ درصد کل روحانیون کشور در همان زمان بوده است. از این تعداد ۳۳۱۴ نفر داوطلبانه و به صورت بسیجی در جنگ

۱. اهوازی، عبدالرزاق، /امام خمینی به روایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ص ۳۲۲.

۲. خمینی، روح‌الله، صحیفه /امام، ج ۲۰، ص ۲۵.

۳. آماری از /ایثارگری روحانیون رزمنده، خبرگزاری ایسنا، ۲۸ مرداد ۱۳۹۷.



شرکت کرده‌اند.<sup>۱</sup> و از هر ۱۰۰۰ نفر طلبه ۴۰ نفر به شهادت رسیده‌اند؛ درحالی‌که طبق آمار در بقیه اقشار از هر ۱۰۰۰ نفر ۴ نفر شهید شده‌اند. سرهنگ جعفری جانشین بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش در ارائه آماری تفکیکی و دقیق از رزمندگان، شهدا، جانبازان و اقشار جنگ تحمیلی بیان کرده است که:

«روحانیت نیز با ۳۳۱۷ شهید به نسبت تعداد جمعیت خود

۱۲ برابر اقشار دیگر در این جنگ شهید داده است».<sup>۲</sup>

البته ملاک شناخت شهدای روحانیت، تأیید دو مرکز بنیاد شهید و امور ایثارگران و مدیریت حوزه‌های علمیه بوده است. این در حالی است که طی تحقیقات جدید ۷۰۰ شهید طلبه داریم که از سوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه طلبگی آن‌ها محرز نشده و جزو آمار قطعی نیست. به‌طور مثال سردار شهید سید محمد حجازی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شاگرد آیت‌الله قدوسی و آیت‌الله بهشتی بود و پس از انقلاب هم به سپاه

---

۱. در آستانه برگزاری کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی، آمار تفصیلی از شهدای روحانی یک‌صد سال اخیر منتشر شد، پایگاه خبری بلاغ، ۳۰ فروردین ۱۴۰۱.

<https://www.balagh.ir/comment/۵۴۷۸#comment-۵۴۷۸>.

۲. آمار واقعی شهدای جنگ؛ ۱۹۰ یا ۲۲۰ هزار نفر؟، تاریخ ایرانی، ۳۰ شهریور ۱۳۹۳.

<http://tarikhirani.ir/fa/news/۴۷۰۷>.



پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. به همین خاطر جزو شهدای روحانی محسوب نشد.<sup>۱</sup>

تنها در عملیات کربلای پنج، ۵۶۷ طلبه و روحانی به شهادت رسیده‌اند و همچنین تنها در یک سال یعنی سال ۱۳۶۵ شمسی، ۱۲۱۴ طلبه در جبهه‌های جنگ تحمیلی به شهادت رسیده‌اند.<sup>۲</sup>

طبق آمارها از میان شهدای روحانی تعداد ۳۰ تن از آن‌ها مجتهد، ۱۸۱ تن سطح چهار حوزوی، ۸۸ تن سطح سه حوزه و بقیه در سایر سطوح حوزوی مشغول تحصیل بودند. بعد از جنگ تحمیلی نیز تا سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۵۰ روحانی به شیوه‌های گوناگون به شهادت رسیدند.<sup>۳</sup>

همچنین تعداد جانبازان روحانی در حدود ۷۰۰۰ نفر و تعداد آزادگان این قشر نیز ۳۵۰ نفر است.<sup>۴</sup>

۱. آمار دقیق شهدای روحانی در سال‌های پس از انقلاب، خبرگزاری فارس، ۲۷ اردیبهشت

۱۴۰۱

<http://fna.ir/1ossop>

۲. در آستانه برگزاری کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی، آمار تفصیلی از شهدای روحانی یک‌صد

سال اخیر منتشر شد، پایگاه خبری بلاغ، ۳۰ فروردین ۱۴۰۱،

<https://www.balagh.ir/comment/5478#comment-5478>

۳. آماری از شهدای طلبه و روحانی، خبرگزاری بسیج، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱،

[basijnews.ir/00dZsX](http://basijnews.ir/00dZsX)

۴. آماری از ایثارگری روحانیون رزمنده، خبرگزاری ایسنا، ۲۸ مرداد ۱۳۹۷،



۳. غیر از حضور عملیاتی مداوم در جبهه‌ها، حتی در حد چند روز هم که شده، روحانیون و مراجع تقلید پا به سن گذاشته نیز، در جبهه‌های جنگ حضور یافته و رزمندگان را دلگرم می‌ساختند. علمایی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، علامه عسکری، سید رضا بهاء‌الدینی، میرزا جواد تهرانی، قاضی دزفولی و علمای بزرگی همچون آیات بهشتی، دستغیب، مدنی، صدوقی، اشرفی اصفهانی، شاه‌آبادی، محلاتی، مشکینی، هاشمی، حائری شیرازی، طاهری،<sup>۱</sup> یثربی کاشانی و... از جمله این عالمان بودند.

### نتیجه:

روحانیت نه تنها چنین برداشتی از رسالت خود نداشت که بایستی کار جنگ و جهاد را به سایر مردم بسپارد و خود به تعلیم و تعلم اهتمام بورزد، بلکه طبق آمارهای دقیق، نسبت به جمعیت خود بیش از ده برابر سایر اقشار شهید داده است. در واقع روحانیت نه تنها پا به پای مردم، بلکه ده برابر بیش از سایر اقشار، در راه اسلام و میهن اسلامی کفن به تن کرده است. وقتی روحانیت تنها در یک عملیات، ۵۶۷ شهید تقدیم کرده باشد، مشخص می‌شود که تصور کنار کشیدن روحانیت از عرصه جهاد و شهادت، چقدر دور از واقعیت است.

---

۱. فیروزآبادی، سید حسن و حسن دهقانی، «نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری آن رد جنگ احتمالی آینده با تأکید بر جنگ نرم»، ص ۱۱.



### کلمات کلیدی:

روحانیت، جنگ تحمیلی، دفاع مقدس، آمار شهدای روحانی

### منابع بیشتر برای مطالعه

- ۱- احمدی، فاطمه، حدیث صداقت با موضوع بررسی نقش روحانیت در دفاع مقدس، گرگان، انتشارات نوروزی، ۱۳۹۱ ش.





## ۵. استفاده از نوجوانان در جنگ تحمیلی

پرسش:

نوجوانی که به سادگی می تواند تحت تأثیر احساسات تصمیم بگیرد و حتی توسط حکومت اجازه داشتن گواهینامه ندارد، می تواند مجاز به شرکت در جنگ نظامی با احتمال بالای مرگ و نقص عضو باشد! آیا استفاده حکومت ایران از نوجوانان ۱۳ و ۱۵ ساله در جبهه ها جنایت جنگی نبود؟

پاسخ:

یکی از مسائلی که جمهوری اسلامی در تاریخ جنگ خود بدان افتخار می کند، مسئله حضور نوجوانان در جنگ است. درحالی که نوجوان به راحتی تحت تأثیر احساسات قرار می گیرد و احتمال مرگ و نقص عضو آن ها بالاست. آیا چنین فردی که حتی مجاز به داشتن گواهینامه رانندگی نیست و بر سرمایه اش ولایت ندارد، می تواند مجاز به شرکت در جنگ نظامی باشد؟ استفاده از نوجوانان کم سن و سال ۱۳ و ۱۴ ساله در جبهه های جنگ از سوی حکومت ایران جنایت جنگی محسوب نمی شود؟

**پاسخ تفصیلی:**

برای پاسخ به این پرسش، توضیح چند نکته ضروری است.

۱. افتخار جمهوری اسلامی به حضور نوجوانان در جنگ تحمیلی

در توضیح این نکته باید گفت، آنچه جمهوری اسلامی ایران بدان افتخار می کند، صرف حضور نوجوانان در جنگ و دفاع از خاک و اسلام نیست،



بلکه افتخار جمهوری اسلامی به روحیه ایثارگری و سطح درک، فهم و تحلیل این گروه هنگام حضور در میدان نبرد است که وقتی مصاحبه‌ها یا وصیت‌نامه‌های برخی از همین نوجوانان به اصطلاح تابع احساس را می‌بینیم، از عمق درک و فهم آن‌ها نسبت به مسائل حیرت می‌کنیم. اشک‌ها و التماس‌های این نوجوانان برای حضور در میدان نبرد علیه دشمن در مقابل ممانعت فرماندهان را نمی‌توان صرفاً متأثر از احساس دانست. افتخار جمهوری اسلامی به حضور باشعور و درک این نوجوانان در جنگ تحمیلی است نه صرف حضورشان.<sup>۱</sup>

## ۲. استفاده حکومت ایران از نوجوانان در جنگ

در تبیین این نکته نیز لازم است بیان کنیم برخلاف آنچه گونه طرح پرسش القا می‌کند، جمهوری اسلامی نه تنها اصراری بر حضور این گروه سنی در میدان جنگ نداشته است، بلکه بر اساس برخی مستندات موجود، در صورت شناسایی از حضور آن‌ها در میدان ممانعت نیز می‌کرده است<sup>۲</sup> که

---

۱. برای نمونه، رک: «مصاحبه دیدنی نوجوان بسیجی در خط مقدم جبهه»، <https://www.aparat.com/v/oXrPf>؛ همچنین رک: «مصاحبه دیدنی با نوجوان ۱۵ ساله بسیجی در جبهه»، B۲n.ir/j۰۵۹۱۳؛ همچنین رک: «نوجوانی که غیرتش، زن خبرنگار را مجبور به حفظ حجاب کرد»، ۴۶۰۶۰.n.ir/d۲B.

رک: «سندی که نوجوانان را از حضور در جنگ منع می‌کرد»، خبرگزاری دانشجویان<sup>۲</sup>

. isna.ir/xdMDqt . ۱۴۰۱/۰۸/۱۱/۰۷/۱۸۰ ایران (ایسنا)، کد خبر:



دست‌کاری شناسنامه‌ها از سوی نوجوانان برای حضور در میدان جنگ، مؤید این مسئله است؛ مسئله‌ای که به معضل دادگاه‌های ثبت‌احوال در پس از جنگ تبدیل شد.<sup>۱</sup> امام خمینی ره نیز در واکنش به ادعای دشمنان مبنی بر فرستادن کودکان، به‌زور، به میدان جنگ می‌گوید:

«اجانب تبلیغ می‌کنند که در ایران بچه‌های کوچک را بازور به جبهه می‌فرستند، درحالی‌که چنین نیست. مردم می‌خواهند جلوی این جوان‌های چهارده پانزده‌ساله را بگیرند که به جبهه نروند، ولی آن‌ها از دست پدر و مادرها فرار می‌کنند و به جبهه می‌روند. مسلماً فردی را که بالغ نیست، نه کسی می‌گوید به جبهه برو و نه کسی چنین حقی دارد که بگوید. مردم ما بحمدالله، خودشان از رفتن به جبهه‌ها استقبال می‌کنند و جبهه‌ها را پر می‌کنند».<sup>۲</sup>

بنابراین آنچه موجب حضور نوجوانان در میدان جنگ ایران و عراق می‌شد، شور و شعور خودشان بود، نه اهتمام جمهوری اسلامی برای حضور آن‌ها در میدان نبرد؛ شور و شعوری که در فرزندان نوجوان رئیس‌جمهور و

۱. رک: «سندی که نوجوانان را از حضور در جنگ منع می‌کرد»، خبرگزاری دانشجویان ایران

(ایسنا)، کد خبر: ۱۴۰۱۰۸۱۱۰۷۱۸۰، [isna.ir/xdMDqt](http://isna.ir/xdMDqt)

۲. مزندي، مهدي، داود سليماني، دفاع مقدس (جنگ تحميلي) در اندیشه امام خميني (س)،



رئیس مجلس وقت نیز وجود داشت و آن‌ها را به میدان نبرد کشانده بود.<sup>۱</sup> افزون بر اینکه باید توجه نمود بر اساس احکام اسلام میان جهاد ابتدایی و دفاعی تفاوت وجود دارد. بر اساس فتوای مشهور، دفاع بر همگان واجب است و شروط جهاد ابتدایی در جهاد دفاعی وجود ندارد؛ البته شرط بلوغ و عقل که شرط عموم تکالیف است منتفی نیست. از این رو، مشهور فقها جهاد دفاعی را بر کودک و مجنون واجب نمی‌دانند. روشن است که مشهور، قائل به حرمت حضور این افراد در میدان جنگ نشده و تنها بار این تکلیف را از دوش آن‌ها برداشته است و این به معنای ممانعت از حضور آن‌ها در میدان جهاد دفاعی نیست.<sup>۲</sup> برای مثال، امام خمینی ره درباره حضور غیر بالغین در جبهه گفته‌اند:

«بر غیر بالغین شرکت در جبهه واجب نیست»<sup>۳</sup>

و واضح است که کلام ایشان بدین معناست که حکومت نمی‌تواند آن‌ها را به دلیل همین عدم وجوب، ملزم به حضور در جبهه کند، اما بدین معنا نیست که اگر نوجوان خودش مایل به حضور در میدان دفاع از کشور بود،

۱. ر.ک: «عکس کمتر دیده‌شده از مجتبی خامنه‌ای در جبهه»، افکارنیوز، ۶۷۶۶۶n.ir/j۲B

«فرار یاسر هاشمی از بیمارستان»، کد خبر: ۵۲۰۴۲۳، rLT۶khabaronline.ir/x

۲. ر.ک: حیدری، محمد محسن، «جهاد دفاعی از منظر فقهای امامیه با تأکید بر آراء امام خمینی در دفاع مقدس»، ص ۱۱۶ - ۱۱۸.

۳. حیدری، محمد محسن، «جهاد دفاعی از منظر فقهای امامیه با تأکید بر آراء امام خمینی در دفاع مقدس»، ص ۱۱۸.



حکومت باید مانع او شود. باوجود این، فرماندهان جنگ، در حد امکان، مانع حضور نوجوانان در میدان نبرد می‌شدند و حتی گاهی اگر شرایط مهیا بود، از خط مقدم جبهه آن‌ها را به پشت جبهه برمی‌گرداندند.

### ۳. جنایت جنگی بودن به کارگیری نوجوانان در جنگ

در این باره نیز گفتنی است که ارائه تعریفی جامع و مانع از جنایت جنگی که مورد توافق همه کشورها باشد غیرممکن به نظر می‌رسد، اما بر اساس آنچه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، سربازگیری کودکان زیر پانزده سال، با این هدف که آن‌ها فعالانه در جنگ شرکت کنند، جزو مصادیق جرائم جنگی است،<sup>۱</sup> متنها نکته‌ای که درباره ایران از سوی مدعیان وقوع جنایت جنگی عمداً مورد توجه قرار نمی‌گیرد، این است که جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس، نه تنها از این گروه سنی، سربازگیری نکرده است، بلکه با وضع قانون و ایجاد مانع برای حضور افراد زیر ۱۵ سال که با تمام وجود، با اصرار و خودخواسته در میدان نبرد حاضر می‌شدند، در صورت شناسایی و امکان بازگشت به پشت جبهه، آن‌ها را به مبدأ بازمی‌گردانده است. افزون بر اینکه همین مدعیان که حضور خودخواسته نوجوانان ایرانی در میدان نبرد را آن‌هم با لطائف الحیل و دست‌کاری شناسنامه و... مصداق جنایت جنگی معرفی می‌کنند، وقتی با آموزش نظامی کودکان اوکراینی توسط ارتش اوکراین مواجه می‌شوند،

۱. سوادکوهی فر، ضحی، «جنایات جنگی»، پژوه،



سکوت کرده، نه تنها سخنی از وقوع جنایت جنگی به میان نمی‌آورند، بلکه برخی از آن‌ها تمجید گونه خبر کودک سربازان اوکراینی را پوشش می‌دهند.<sup>۱</sup> برخی کشورهای اروپایی مثل آلمان نیز از قوانین استثنایی‌ای که وجود دارد و طبق آن می‌توان داوطلبان را به‌عنوان سرباز پذیرفت، ۱۵۱۵ کودک سرباز را به وزارت دفاع معرفی می‌کنند.<sup>۲</sup>

### نتیجه:

بنا بر آنچه نگاشته شد، روشن می‌شود که جمهوری اسلامی هیچ‌گاه به دنبال سربازگیری از نوجوانان برای حضور در میدان جنگ نبوده است و با وضع قانون از حضور آن‌ها در میدان نبرد نیز در صورت شناسایی ممانعت کرده است. اینکه امروز جمهوری اسلامی به حضور نوجوانان سرزمینش در میدان دفاع مقدس افتخار می‌کند، به خاطر حضور همراه بافهم و شعور نوجوانان سرزمینش در میدان نبرد علیه دشمن است، نه فقط به خاطر حضور همراه با شور آن‌ها.

### کلیدواژگان:

جنگ، دفاع مقدس، نوجوان، جنایت جنگی، جمهوری اسلامی.

۱. رک: «کودک سربازان در اوکراین؛ نقض حقوق بشر با چاشنی قهرمان سازی رسانه‌ای».

باشگاه خبرنگاران جوان، ۴۸۹۷۵n.ir/y۲B.

۲. رک: اسماعیلی، عادل، «ممنوعیت استفاده از کودکان در جنگ»، روزنامه قانون،



## ۶. آمار و شناسایی شهدای گمنام

پرسش:

در مورد تشییع شهدای گمنام ابهامات جدی وجود دارد، کلاً در جنگ ایران و عراق، توسط کمیته تفحص شهدای جنگ، نزدیک پنجاه هزار جنازه پیدا شده است که سه هزار نفر آن‌ها پلاک و یا اوراق هویتی همراه نداشته‌اند و کلاً هم هفت هزار خانواده هستند که شهدای آن‌ها مفقودالاثرا بوده‌اند. پس به راحتی می‌شود از این هفت هزار نفر، بانک ژنتیک تهیه کرد و هر جنازه‌ای که پیدا می‌شود خانواده‌اش را با تست ژنتیک پیدا کرد. این‌طوری دیگر هیچ شهیدی گمنام نیست؛ اما برخی معتقدند که تشییع شهدای گمنام برای جمهوری اسلامی و تحریک احساسات عوام مذهبی نان و آب دارد. تا امروز در ایران سه برابر تمام آمار مفقودالاثراهای جنگ، یعنی ۲۱ هزار شهید گمنام دفن شده است. احتمالاً تا زمانی که جمهوری اسلامی باقی باشد، یک میلیون شهید گمنام داشته باشیم! چون خرجی ندارد. یک تابوت چوبی می‌خواهد با چند خوش‌باور مذهبی. آیا این ادعا صحیح است؟

پاسخ:

دو سه دهه است که هر از گاهی اخبار تشییع پیکر شهدای جنگ تحمیلی که تشخیص هویت آنان میسر نبوده است دیده و شنیده می‌شود و پیرامون آن مسائل متعددی مطرح می‌گردد. راجع به تعداد شهدای گمنام و تشخیص



هویت شهدای بی‌نام و نشان جنگ تحمیلی ابهامات زیادی وجود دارد. به‌طور مثال، چرا با پیشرفت‌های علمی در تشخیص هویت، به‌وسیله نمونه‌برداری و تطبیق DNA بقایای اجساد مطهر شهدا با بازماندگان آن‌ها باید شهید گمنام داشته باشیم و یا اینکه این حجم از شهدای گمنام واقعیت دارد یا خیر؟

### پاسخ تفصیلی:

۱. ثابت‌شده است که بخشی از مخالفین نظام جمهوری اسلامی و بالاتر از آن مخالفین گسترش و توسعه تفکر سیاسی شیعی، هرآن چه که در راستای تقویت ایمان و استحکام باورهای مذهبی مردم و نمایش شکوه و عظمت و موجب همبستگی جامعه‌ی مذهبی باشد را به نحوی زیر سؤال برده و در پوشش مبارزه با خرافات و فریب، با برجسب‌های گوناگون تخریب می‌کنند.<sup>۱</sup> پیاده‌روی اربعین، تشییع شهدای گمنام، مراسم اعتکاف،

---

۱. برای نمونه، نشریه ضد جمهوری اسلامی کیهان لندن در رابطه با مراسم تشییع شهدای گمنام آورده است: «... جمهوری اسلامی با تابوت‌هایی که معلوم نیست خالی هستند یا محتوای آن چیست هوادارانش را به اسم عزاداری و تشییع جنازه به خیابان می‌کشاند. سناریویی که در گذشته هم تکرار شده است. دفن این تابوت‌ها در دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی و پارک‌ها نیز زمینه‌ساز حضور بیشتر نیروهای بسیج و سپاه پاسداران در این نهادهاست.» کیهان لندن، گزارش ویژه؛ نمایش تابوت‌های مشکوک به اسم «تشییع ۴۰۰ شهید گمنام»؛ چرا آمار «شهدای مفقودالثر» بیشتر می‌شود؟! سه‌شنبه ۶ دی ۱۴۰۱/۲۷ دسامبر ۲۰۲۲.





راهپیمایی‌های سیاسی-مذهبی و حتی عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام از نمونه‌های عینی قابل‌ذکر در این زمینه است.

۲. به نحوی در این مطلب و سؤال، مطرح شده است که طبق آمارهای رسمی، تناقض بزرگی در واقعیت تشییع و دفن پیکرهای مطهر شهدای گمنام وجود دارد. درحالی‌که آمارهای ادعاشده در متن سؤال، خلاف آمارهای رسمی است. در این مطلب ادعاشده است که تعداد شهدای مفقودالآثر هفت هزار و تعداد شهدای دفن شده در ایران تاکنون ۲۱ هزار شهید است.

طبق آمار رسمی کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ا، آمار کل شهدای مفقودالآثر<sup>۱</sup> حدود ۲۵ درصد شهدای جنگ تحمیلی و

---

۱. در هنگام جنگ تحمیلی ۸ ساله، تعدادی از رزمندگان ایرانی به دلایل گوناگون ازجمله به اسارت درآمدن رزمندگان و عدم امکان جابه‌جایی و انتقال ابدان شریف شهدا (به دلیل نامساعد بودن وضعیت جغرافیایی مناطق عملیاتی، حجم آتش دشمن و...)، هویتشان نامعلوم و به اصطلاح «مفقودالآثر» ماندند. در همان سال‌ها و پس‌از آن، تلاش‌های فراوانی برای شناسایی و کشف بازماندگان جنگ صورت گرفت، اما تعدادی از آنان در جریان تبادل اسرا و شهدا و طی «عملیات تفحص» شناسایی و برخی همچنان مفقودالآثر تلقی شدند. با اتمام بحث تبادل اسرا و بازگشت آزادگان به میهن اسلامی و بررسی‌های به وجود آمده، در سال ۱۳۸۴ با اعلام رسمی بنیاد شهید، رزمندگان عزیزی که ابدان شریفشان کشف و شناسایی نشد به‌عنوان «شهید» و «مفقودالجسد» معرفی گردیدند. واژه «مفقود» در ادبیات دفاع مقدس به شهیدان عزیزی اطلاق



حدوداً ۴۵ هزار نفر بوده است که از این تعداد، شهدایی که گمنام بوده یا هنوز تفحص نشده‌اند، ۱۳ هزار شهید است. از این تعداد، تاکنون حدود ۱۰ هزار شهید گمنام، تفحص و شناسایی و در سراسر کشور دفن شده و با تفحص و شناسایی حدود سه هزار شهید دیگر، کار تفحص شهدای گمنام و مفقودالاثر پایان می‌یابد.<sup>۱</sup>

البته در فروردین ماه سال ۹۷، سردار سید محمد باقرزاده، فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به تعداد شهدایی که هنوز پیدا نشده‌اند گفت:

«بعد از پیدا شدن بیش از ۴۰ هزار شهید در طول عملیات‌های تفحص پیکرهای مطهر شهدا، با کاوش حدود ۴۲۰۰ شهید دیگر کار تفحص پیکر شهدای دفاع مقدس به اتمام خواهد رسید».<sup>۲</sup>

---

می‌گردد که پیکرهای مطهرشان در مناطق عملیاتی و معرکه جنگ باقی مانده و به مواضع نیروهای خودی برنگشته است.

۱. به نقل از امیر سرتیپ ناصر سعیدی جانشین فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، (سعیدی، ناصر، آمار شهدا پس از انقلاب: ۳۲۳ هزار نفر/ ۳ هزار شهید دفاع مقدس هنوز مفقود/ لاثرند، سایت تاریخ ایرانی، ۱۴ بهمن ۱۳۹۹، کد خبر: ۸۵۹۵  
(<http://tarikhirani.ir/fa/news/۸۵۹۵>).

۲. ملاحظاتی در باب آمار تشییع شهدا و موزه‌های دفاع مقدس/ آمار صحیح تشییع شهدای گمنام در ۲۲ سال گذشته چیست؟ خبرگزاری مهر، ۲۳ مهر ۱۳۹۷، کد خبر ۴۴۳۰۵۰۵.



وی پیش از این نیز در سال ۹۳ اعلام کرده بود:

«۴۵ هزار شهید مفقودالثر را شناسایی کرده‌ایم که تاکنون ۴۰

هزار خانواده مشخص شده و اجساد مطهر شهدا دفن شده و

شش هزار شهید گمنام هم هنوز در خاک عراق است که با

تفحص و جستجو شناسایی خواهد شد».<sup>۱</sup>

پیش از این تاریخ نیز در سال ۱۳۹۰، سرهنگ غلامی مسئول عملیات کمیته

جستجوی مفقودان ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرده بود:

«حدود چهار تا پنج هزار نفر آنان با نام شهید گمنام دفن

شده‌اند و در حدود هفت تا هشت هزار نفر در خاک عراق

جامانده‌ان».<sup>۲</sup>

سردار بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

هم در رابطه با آمار شهدای گمنام تدفین شده در سطح کشور اعلام کرده

است که:

«بر اساس آمار اخذ شده تعداد شهدای گمنام [تفحص شده]،

---

mehrnews.com/xMGhv.

۱. روایت سردار باقرزاده از نحوه شناسایی شهدای گمنام، خبرگزاری تسنیم، ۱۲ بهمن ۱۳۹۳،

<https://tn.ai/۶۳۹۳۴۰>.

۲. چگونگی تشکیل و انجام عملیات تفحص به روایت سرهنگ غلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی و

فرهنگی مفقودین و شهدای گمنام، ۱۲ شهریور ۱۳۹۰،

<http://www.tafahosheshohada.ir/fa/news/۵۳۴>.



۱۰ هزار و ۴۲۲ شهید گمنام در سراسر کشور هستند که ۲

هزار و ۳۰۶ یادمان در سراسر کشور برای این عزیزان بنا شده

است.<sup>۱</sup>

پس در فواصل زمانی، آمار شهدای مفقودالاثر، گمنام، تفحص شده و باقی مانده به مردم اعلام شده است.

۲. آمار تدفین شهدای گمنام به صورت دقیق بارها اعلام شده است. به طور مثال، کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح برای گزارش ۲۲ ساله تشییع شهدای گمنام، اطلاعاتی در سال ۱۳۹۶ شمسی صادر و تعداد شهدای مدفون در سراسر کشور را با عدد و جغرافیای آن به صورت دقیق اعلام کرد:

تا پایان سال ۹۶ پیکر مطهر ۹۲۱۰ شهید گمنام در ۱۹۱۴ نقطه از کشور با حضور حماسی مردم و آحاد جامعه تشییع و به خاک سپرده شده است این شهدا در نقاط زیر تدفین شده اند: ۹۱۸ نقطه در بوستان های شهری، شهرک ها، ارتفاعات و تپه های مشرف بر شهر، ۲۷۹ نهاد نظامی و امنیتی کشور، ۲۹۳ نقطه در دانشگاه های کشور، ۳۱ نقطه در حوزه علمیه، ۱۶ نقطه در مراکز مهم صنعتی و تحقیقاتی، ۴ نقطه در نهادهای

۱. کارگر، بهمن، ۲۳۰۶ یادمان برای شهدای گمنام در کشور بنا شده است، خبرگزاری تسنیم، ۲۰

شهریور ۱۴۰۱،



مهم ورزشی و هنری، ۱۹ نقطه در یادمان‌های مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور، ۳۵۴ نقطه در گلزارها، امامزاده‌ها، روستاها و اماکن متبرکه کشور قرار دارند که برخی از آن‌ها مربوط به زمان جنگ تحمیلی و یا در اوایل کار این کمیته انجام گرفته است. از مجموع ۹۲۱۰ شهید گمنام، ۴۰۰۰ شهید گمنام در گلزار شهدای بهشت‌زهرآرامیده‌اند.<sup>۱</sup>

۳. اجرای عملیات شناسایی پیکرهای شهدا به وسیله نمونه برداری DNA و تطبیق آن با بازماندگان هم به این سادگی که در پرسش: آمده نیست که بتوان در کسری از دقیقه، پرونده گمنام بودن یک شهید را برای همیشه بست.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳، سردار سید محمد باقرزاده، فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح سردار باقرزاده در رابطه با نحوه شناسایی شهدای تفحص شده گفته است:

وقتی موضوع شناسایی افراد از راه ژنتیک مطرح شد از سال ۷۰ تلاش کردیم تا با استفاده از جمعی از پزشکان نسبت به این کار اقدام شود که ۷۰ تن از پزشکان دعوت به همکاری شدند و اعلام کردند این کار نشدنی است و هزینه سنگین و

---

۱. ملاحظات در باب آمار تشییع شهدا و موزه‌های دفاع مقدس / آمار صحیح تشییع شهدای گمنام در ۲۲ سال گذشته چیست؟ خبرگزاری مهر، ۲۳ مهر ۱۳۹۷، کد خبر ۴۴۳۰۵۰۵، [mehrnews.com/xMGhv](http://mehrnews.com/xMGhv).



تجهیزات خاصی لازم دارد و کار نتیجه نداد. در آن زمان شناسایی اجساد ۱۰۰۰ دلار در خارج از کشور هزینه داشت که پیگیری خود را ادامه دادیم و با اعزام یکی از پزشکان حاذق به خارج از کشور برای بررسی موضوع مقدمات دستیابی به تخصص لازم فراهم شد، اما تحریم‌ها در خرید تجهیزات فنی ما را دچار مشکل کرد. نمونه‌برداری DNA از جسم بافت نرم، خون و پوست و گوشت آسان و از استخوان بسیار سخت است که پزشکان ما توانستند در این مسیر به موفقیت‌هایی دست یابند که کارها همچنان ادامه دارد.

یک هزار نمونه DNA به مرکز تحقیقات پزشکی کوثر داده شده که امیدواریم به نتایج خوبی برسیم و در قزوین نیز از ۹۰ درصد خانواده شهدا نمونه‌گیری شده که هنوز پاسخ آن آماده نشده است که بتوانیم تعداد دیگری از مفقودان را شناسایی کنیم.<sup>۱</sup>

تا امروز شهدای گمنام زیادی شناسایی شده‌اند و بعضاً طی مراسمی خانواده

۱. روایت سردار باقرزاده از نحوه شناسایی شهدای گمنام، خبرگزاری تسنیم، ۱۲ بهمن ۱۳۹۳،



و بازماندگان آنان بر سر مزار شهید شناسایی شده حاضر شده‌اند<sup>۱</sup> و این روند به‌سختی و باوجود موانع آن ادامه دارد. دکتر محمود تولایی رئیس مرکز تحقیقات ژنتیکی نور وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف<sup>۲</sup> در سال ۹۷ و در این رابطه چنین گزارش داده است: «... یکی از موانعی که در مسیر پیشبرد شناسایی شهدای گمنام وجود دارد، این است که ما پروفایل ژنتیکی شهدای تفحص‌شده را استخراج کرده‌ایم اما بانک اطلاعات خانواده‌های شهدا کامل نیست و بنابراین نمی‌توانیم خانواده منتسب به آن‌ها را پیدا کنیم. بانک اطلاعات خانواده‌های شهدا شامل یک نمونه خون به مقدار ۲ سی‌سی است که ما هنوز از

۱. هویت شهید گمنام دانشگاه شهید بهشتی شناسایی شد، پایگاه خبری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۶ آذر ۱۴۰۰.

<https://www.sbu.ac.ir/fa/web/news/w/shahid>. واکنش به خبر شناسایی یکی

از ۱۵ شهید گمنام در یزد، پایگاه خبری تحلیلی الف، ۶ دی ۱۴۰۱،

<https://www.alef.ir/news/۴۰۱۱۰۰۶۰۰۷.html>. شناسایی شهید گمنام تدفین شده

در اهواز پس از ۳۴ سال / شهید «پرویز پوردل» اعزامی از تهران

بود، خبرگزاری برنا، ۱۳ مرداد ۱۴۰۱، کد خبر: ۱۳۵۹۸۹۶،

<https://www.borna.news/fa/tiny/news-۱۳۵۹۸۹۶>. شناسایی هویت شهید گمنام

آرمیده در دانشگاه علامه طباطبائی پس از ۳۹ سال، خبرگزاری ایرنا، ۱۰ آذر ۱۴۰۰، کد خبر:

<https://irna.ir/xjGMC۳>، ۸۴۵۶۲۲۴۱.

۲. این مرکز، به‌عنوان متولی تشخیص هویت شهدای گمنام مشغول به کار است.



همه خانواده‌های شهدا در اختیار نداریم. در تهران، نمونه خون حدود ۷۰ درصد خانواده‌های شهدای مفقود و گمنام را در اختیار نداریم و این یک اشکال مهم است. در سراسر کشور، به‌طور میانگین تقریباً ۶۵ تا ۷۰ درصد، نمونه خون خانواده‌ها موجود است اما این میانگین در تهران، حدود ۳۰ درصد و یا کمتر است. دلیل این امر به محدود بودن جمعیت در سایر شهرها بازمی‌گردد و همچنین نهادهایی که ارتباط بین ما و خانواده‌های شهدای گمنام را برقرار کردند، تعامل بیشتری داشتند. در نتیجه نمونه‌گیری بیشتری از خانواده‌های شهدا در شهرستان‌ها انجام شده است. متأسفانه در تهران، به دلیل گستردگی و جمعیت بیشتر، نمونه خون کمتری از خانواده‌های شهدا گرفته شده است. ... شهدای زیادی هم هستند که قبلاً گمنام دفن شده‌اند و فعلاً در دسترس نیستند. ممکن است پیکر تعدادی از شهدا نیز در حادثه انفجاری پودر شده باشند و یا از طریق آب رودخانه اروند کلاً ناپدید شده باشند. پیکر بسیاری از شهدا در مناطق مختلف، از جمله شهدای به دست آمده در جزیره بوارین، به دلیل شرایط سرزمینی و باتلاقی منطقه و استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات مکانیکی خارج شده‌اند و به همین خاطر عمدتاً به‌صورت





مخلوط به دست می‌آیند. علاوه بر دقت نیروهای تفحص، همکاران متخصص آناتومی و پیکر شناس ما، پیکرها و استخوان‌های یافت شده را تفکیک می‌کنند. برای استخوان پیداشده، پرونده‌ای ترتیب داده و کدگذاری می‌شود و در فرآیندهای آزمایشگاهی، ماده اصلی DNA جداسازی و با طی فرایندهای تخصصی و پی‌درپی بعدی، پروفایل یا طرح‌واره ژنتیکی اختصاصی هر یک از بقایای شهدا به دست می‌آید... براین اساس، سه جمعیت از شهدای گمنام (دفن شده، تفحص نشده و کاملاً از بین رفته) وجود دارد که نمونه‌ای از آن‌ها در اختیار ما نیست. ... در صورت فوت والدین، مسیر کار بسته نمی‌شود اما بسیار سخت‌تر خواهد شد و حجم کار، هزینه آزمایش‌ها و زمان حصول نتیجه را بیشتر خواهد کرد. در این حالت باید نمونه‌گیری از خواهر و برادر و یا همسر و فرزند شهید انجام شود. هر سال شناسایی شهدای گمنام، حداقل ۵۰ تا ۸۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است. در سال گذشته، حجم بسیار زیادی از این شهدا از عملیات مختلف سومار، حاج عمران، شرهانی، زبیدات، ابوفلوس، ام الرصاص، العماره به شناسایی و احراز



هویت رسیده‌اند».<sup>۱</sup>

### نتیجه:

غیر از آمار شهدای تفحص شده مفقودالاثر در جنگ ایران و عراق، آمارهای ادعا شده در متن صحیح نیست و طبق آمارهای رسمی حدود ۲۵ درصد شهدای جنگ تحمیلی (حدود ۴۵ هزار شهید) مفقودالاثر بودند که از این میان، هویت ده هزار شهید تفحص شده کشف نشده است که به عنوان شهید گمنام شناخته می شوند. این ده هزار شهید در سراسر کشور و با آمارهای دقیق دفن شده است. تنها سه هزار شهید مفقودالاثر باقی است که هنوز پیکر آنان شناسایی و کشف نشده است که با تفحص این تعداد شهید، کار تفحص و جستجوی پیکر شهدا پایان می یابد. پس ادعای دفن ۲۱ هزار شهید گمنام و نامعلوم بودن تعداد شهدای گمنام دیگر و کش دادن این ماجرا حتی تا یک میلیون شهید گمنام دیگر، بی اساس است.

تعیین هویت شهدا با تکنولوژی روز نیز بسیار پرهزینه، پیچیده و زمان بر است که مسئولین و متصدیان مربوطه با موانع بسیاری از جمله تکمیل نبودن بانک خونی خانواده های شهدا مواجه هستند.

۱. در گفتگویی با رئیس مرکز تحقیقات ژنتیکی نور مطرح شد؛ ۱۰ هزار شهید گمنام داریم / ۷۰ درصد نمونه خون خانواده شهدای تهرانی را نداریم، پایگاه جامع ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بنیاد شهید، ۱۷ مرداد ۱۳۹۷، <https://navideshahed.com/fa/news/۴۳۵۰۳۰/۱۰>



### کلمات کلیدی:

جنگ تحمیلی، شهید گمنام، دفاع مقدس، تفحص شهدا.



## ۷. پیروز جنگ

پرسش:

چگونه بدون اینکه یک وجب از خاک عراق را تصرف کنیم و صدام را تنبیه کنیم، خودمان را پیروز جنگ اعلام می‌کنیم؟

پاسخ:

ایران قطعنامه ۵۹۸ را به تلخی پذیرفت. صدام متجاوز، تنبیه نشد و حتی ملزم و مجبور به پرداخت غرامت نگردید. ایران ماند و میلیاردها دلار خسارت جنگ و صدها هزار شهید و جانباز و اسیر و مردمی جنگ‌زده و مملکتی ویران‌شده. کجای این اتفاقات پیروزی است؟

قدرت نابودی و تلفات و تبعات پیدا و پنهان جنگ به حدی است که درنهایت، تمایز میان پیروزی تمام‌عیار از شکست تمام‌عیار را به معنای واقعی کلمه مبهم می‌سازد. معیار اصلی در ارزیابی جنگ، در معادله «هدف - نتیجه» قابل ارزیابی است. به هر حال برای پاسخ به این سؤال، با چند مسئله مواجهیم:

### ۱. چرایی رخداد جنگ و تخاصم نظامی.

کشورها وقتی از سایر مسیرها مانند دیپلماسی، دادگاه‌ها و معاهدات بین‌المللی و ... به اهداف خارجی خود دست نیافته و یا نمی‌توانند مسائل خارجی خود را از طرق عادی حل کنند، به راهکاری سریع، برق‌آسا و



پرهزینه به نام جنگ و رویارویی نظامی متوسل می‌شوند. در واقع، ورود به جنگ با اهدافی رخ می‌دهد که بایستی پایه تحلیل در موضوع مورد نظر ما (تعیین‌کننده پیروز جنگ) قرار بگیرد. دلایل اتخاذ این رویکرد پرخاشگرانه و تهاجمی بسیار متفاوت است. گاهی از حیث سلطه‌جویی و تهاجم و گاهی از حیث دفاع و رفع تهدید این رویکرد اتخاذ می‌شود. ایان مک‌لین در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد در تعریف جنگ آورده است که «منازعه مسلحانه میان دو طرف یا بیشتر که بیشتر اوقات به دنبال اهداف سیاسی تحقق می‌یابد».<sup>۱</sup>

## ۲. اهداف وقوع جنگ میان ایران و عراق.

نکته مهم بعدی در فهم این موضوع، دقت در اهداف وقوع یک جنگ است. طبیعتاً جنگ ایران و عراق دارای زمینه‌ها و اهدافی بود. انقلاب ایران معادلات منطقه‌ای را برای ابرقدرت‌ها به هم زده بود و آینده‌ای مبهم و حتی تاریک را برای حفظ منافع آنان به‌خصوص برای منافع ایالات متحده آمریکا رقم‌زده بود. برای تداوم سیاست دو ستونی نیکسون<sup>۲</sup> و پس از

۱. مک‌لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، مدخل جنگ.

۲. حوزه خاورمیانه و به‌خصوص خلیج فارس در طول جنگ سرد برای معادلات بین‌المللی ایالات متحده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. وجود ذخایر نفتی از یک سو و تلاش شوروی جهت نفوذ در این منطقه‌ی استراتژیک دلایل اصلی اهمیت آن برای آمریکا بود. لذا ایالات متحده



شکست جایگزینی<sup>۱</sup> محمدرضا شاه با انور سادات به دلیل پیمان صلح مصر با اسرائیل، آمریکا متوجه عراق شد. زمامداران آمریکا، صدام حسین در عراق را برای ایفای نقش ستون نظامی به منظور حمایت از شیوخ منطقه و مقابله با انقلاب اسلامی در نظر گرفتند. «ریچارد نیکسون»<sup>۲</sup> در کتاب خود در این باره می نویسد:

---

از استراتژی های مختلفی جهت حفظ این منطقه در مدار بلوک غرب استفاده کرد؛ اما آنچه در دهی ۷۰ مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت واگذاری امنیت منطقه ی خلیج فارس به قدرت های منطقه ای به نام ایران و عربستان بود که این مسئله در چارچوب دکترین دوستونی نیکسون طراحی شد. دکترین نیکسون به صورت مستقیم سیاست خارجی ایران و عربستان را تحت تأثیر قرار داد. رک: گل پرور مجید و پریسا خراسانی اسماعیلی، بررسی مقایسه ای نقش سیاست دو ستونی آمریکا در سیاست خارجی ایران و عربستان در دوره پهلوی دوم، صفحات: ۱۶۱-۱۸۰.

۱. ایالات متحده آمریکا برای محول کردن نقش ژاندارمی منطقه پس از سقوط محمدرضا شاه ابتدا به «انور سادات» در مصر توجه کرد و تلاش وافری برای دادن فرصت رهبری جهان عرب به مصر با بازگشت کامل آن به بلوک غرب انجام داد؛ اما انعقاد پیمان صلح مصر و اسرائیل در ۶ فروردین ۱۳۵۸ / ۲۶ مارس ۱۹۷۹، خشم عمومی اعراب را برانگیخت و به جز عمان همه کشورهای عربی، مصر را تحریم و روابط سیاسی خود را با آن قطع کردند.

۲. ریچارد میلهاوس نیکسون (Richard Milhous Nixon) (زاده ۹ ژانویه ۱۹۱۳ - درگذشته ۲۲ آوریل ۱۹۹۴) سیاستمدار و وکیل آمریکایی که از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ سی و هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود. نیکسون پس از ۳ سال حضور در مجلس نمایندگان و ۳ سال در سنا، طی سال های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ سی و ششمین معاون رئیس جمهور



«تنها سؤالی که برای همگان مطرح است این است که کدام کشور می‌تواند جانشین ایران بشود؟ ... دولت تندرو عراق در حال حاضر قوی‌ترین نیروی نظامی خلیج فارس بشمار می‌رود... برای ایالات متحده آمریکا دلایل کافی و منطقی زیادی در مورد بهبود روابط با کشور عراق موجود است».<sup>۱</sup>

با چراغ سبز آمریکایی‌ها و طمع صدام به ایران آشفته از تغییر نظام سیاسی و بحران‌های داخلی پس از انقلاب، رژیم بعث عراق، با یک رویکرد متجاوزانه تهاجم نظامی به ایران را آغاز کرد.<sup>۲</sup> تصور صدام حسین این بود که ایران کشوری آسیب‌پذیر بوده و ظرف یک هفته در تهران خواهد بود. شب ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹، صدام حسین بعد از جلسه اضطراری با اعضای مجلس این کشور جلوی دوربین‌های تلویزیونی رفت و در یک اقدام توهین‌آمیز به ملت ایران با پاره کردن قرارداد توافق مرزی ایران و

---

ایالات متحده آمریکا شد. او پس از پنج سال ریاست جمهوری که پایان مداخله آمریکا در جنگ ویتنام، کاهش تنش در روابط با اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین و تأسیس سازمان حفاظت از محیط زیست را شامل می‌شد، در پی رسوایی واترگیت، به اولین و تا امروز تنها رئیس جمهور تاریخ ایالات متحده آمریکا تبدیل شد که از مقام خود کناره‌گیری کرده است.

۱. نیکسون، ریچارد، جنگ حقیقی، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۲. بیل، جیمز، شیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ص ۴۰۹.



عراق (قرارداد الجزایر)<sup>۱</sup> اعلام کرد کشورش مالک کل اروندرود است و پنج روز بعد از این نمایش تلویزیونی بود که ارتش عراق در ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه روز ۳۱ شهریورماه با وارد کردن ۱۹۲ فروند جنگنده، ۱۲ لشکر مجهز پیاده و زرهی و ۳۰ تیپ مستقل خود از سه جبهه کرمانشاه، ایلام و خوزستان رسماً به ایران حمله کرد. همچنین هواپیماهای جنگنده عراقی به صورت هم‌زمان وارد آسمان کشورمان شدند و چندین پایگاه هوایی و فرودگاه از جمله فرودگاه مهرآباد را مورد هدف قرار دادند.

وفیق السامرائی از فرماندهان سازمان اطلاعات عراق، لحظه رسمی شروع جنگ تحمیلی را این گونه روایت می‌کند:

«ظهر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ [دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹] ۱۹۲ هواپیمای جنگنده نیروی هوایی عراق پرواز کردند، سمت هدف‌هایشان در خاک ایران، هم‌زمان فرمانده کل قوا، صدام حسین، چفیه قرمز به سر و نوار فشنگ به کمر بی‌آنکه درجات نظامی‌اش را نصب کند، وارد اتاق عملیات شد. عدنان خیرالله

---

۱. عهدنامه مرزی بین ایران و عراق که بر اساس توافقنامه الجزایر که در ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) ش) بین صدام حسین، معاون رئیس‌جمهور آن زمان عراق و محمدرضا پهلوی و تحت نظارت هواری بوم دین، رئیس‌جمهور وقت الجزایر امضا شد. رک: پیمان‌نامه ۱۹۷۵ / الجزایر، موسسه مطالعات ژئوپولیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس، <http://www.persiangulfstudies.com/fa/pages/۲۱۶>.





وزیر دفاع به او گفت: سرور من، جوان‌ها بیست دقیقه قبل به پرواز درآمدند و صدام گفت: تا نیم ساعت دیگر کمر ایران، خواهد شکست.<sup>۱</sup>

### ۳. خلاصه اهداف رژیم بعثی عراق و پشتیبانان او از تهاجم به ایران

صدام که سرمست از تجهیزات سنگین و پشتیبانی ابرقدرت‌ها و کشورهای ثروتمند منطقه و ضعف ایران تازه انقلاب کرده و آسیب‌پذیر بود، علناً این اهداف را مطرح کرده بود:

اول: لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر یعنی تصاحب اروندرود و قسمت‌هایی از سرزمین ایران در غرب و جنوب.

دوم: جدا کردن شهرهایی از استان خوزستان که جمعیت عرب‌زبان دارد و مناطق نفت‌خیز جنوب مانند خرمشهر و آبادان و جزایر سه‌گانه که حتی اسامی برخی از آنان نیز توسط صدام عوض شده بود.

سوم: ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران و رفع تهدید یک نظام سیاسی قدرتمند فقهی-شیعی با توجه به اکثریت سرکوب‌شده شیعی عراق و در واقع جلوگیری از صدور انقلاب ایران به عراق. چراکه کشوری که به لحاظ قرابت مذهبی مردم و وجود حوزه‌های علمیه شیعه، بالاترین احتمال اثرپذیری از انقلاب ایران را دارا بود عراق بود.

۱. آغاز جنگ تحمیلی، روزنامه ایران، شماره ۷۴۷۶، ۶، آبان ۱۳۹۹.



چهارم: به دست آوردن رهبری در منطقه خلیج فارس و سیادت در بین اعراب.

پنجم: رفع محدودیت‌های جغرافیایی عراق مانند دسترسی به خلیج فارس و آب‌های آزاد و مرکزیت بیشتر بغداد در نقشه کشور و فاصله دادن آن نسبت به مرز شرقی.

اما اهداف پشتیبانان صدام یا قدرت‌های شرق و غرب از تحمیل جنگ به ایران اسلامی موارد زیر بود:

اول: محبوس کردن انقلابی که به سرعت در حال فراگیری و الگو شدن برای سایر کشورها و ملت‌های ستمدیده به خصوص جهان اسلام بود. دوم: کنترل یا به سازش کشانیدن و درنهایت و در بهترین حالت، ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران. سوم: فروش و به رخ کشیدن سلاح و استفاده اقتصادی از جنگ.

#### ۴. اهداف ایران در این جنگ چه بود؟

اول: مهم‌ترین هدف ایران ممانعت از تجزیه کشور و دفع تجاوز رژیم بعثی عراق و حفظ و اعتلا، امنیت، عزت و شرافت نظام و ایران و ملت اسلامی بود.

دوم: بازپس‌گیری کلیه سرزمین‌هایی که در تجاوز دشمن اشغال شده بود. سوم: استقرار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که صدام آن را در مقابل دوربین‌ها پاره کرده و فاقد اعتبار دانسته بود.



چهارم: معرفی چهره صدام و نظام بعث عراق به عنوان متجاوز.  
 پنجم: دادن پند و عبرت به دیگر دشمنان نظام اسلامی و در حقیقت ایجاد قدرت بازدارندگی برای آینده.  
 ششم: امیدوار کردن مستضعفین و مسلمین مظلوم سراسر دنیا به حرکت‌های همراه باایمان و ایثار و توکل، استقلال از شرق و غرب در دفاع از کشور، دین و شرف خویش.  
 هفتم: تنبیه متجاوز.

## ۵. تحقق اهداف طرفین جنگ ایران و عراق

بابیان اهداف طرفین در جنگ و تحلیل آن می‌توان مشخص کرد که کدام طرف به پیروزی و کدام طرف به شکست نزدیک‌تر شده است چراکه پیش از این بیان کردیم که معیار اصلی در ارزیابی جنگ، در معادله «هدف - نتیجه» رقم می‌خورد.

هیچ‌کدام از اهداف صدام به حقیقت نپیوست. صدام در حالی که با یک ژست بین‌المللی و متهورانه عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را پاره کرده بود مجبور شد دوباره آن را رسماً بپذیرد.<sup>۱</sup> حتی یک وجب از خاک ایران در اشغال

---

۱. روز ۲۴ مردادماه سال ۱۳۶۹ طی نامه شخص صدام حسین به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در آن زمان رئیس‌جمهور ایران بود مجدد پذیرفته شد. متن نامه صدام حسین به رئیس‌جمهور ایران، ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ به‌وقت تهران از رادیو صوت



عراق نماند و صدام نتوانست تغییری در جغرافیای عراق ایجاد کند. نه تنها صدام موفق به ساقط کردن و محدود کردن نظام سیاسی ایران نشد، بلکه مکتب و تفکر ایران انقلابی به سرعت در میان ملت عراق فراگیر شد و پس از سرنگونی صدام و رژیم بعث عراق، حکومت شیعی در عراق برپا گشته و ضمن نزدیکی جدی مقامات عراقی به تهران، گروه‌های حامی ایران حتی دست به تشکیل سازمان‌های متعدد در عراق زدند. صدام که به شدت شیعیان را سرکوب می‌کرد حتی تصور نمی‌کرد که روزی بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی جهان اسلام در قلب عراق و در مناسبت اربعین هرساله در منظر چشم جهانیان قرار بگیرد. همچنین صدام نه تنها به رهبری و سیادت در جنگ ایران و عراق نرسید، بلکه با شکست در رسیدن به اهداف خود در جنگ ایران حمله به کویت برای جبران آن و اجماع اعراب و ابرقدرت‌ها (در واقع حامیان پیشینی او) علیه عراق و تنبیه وی در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰ م)، آن‌چنان به انزوا و فقر رفت که یک دهه بعد در جنگ ۲۰۰۳

---

الجماهیر بغداد قرائت شد و طی بند اول آن صدام پذیرفت: «موافقت با پیشنهاد شما که در نامه جوابیه مورخ هشتم اوت ۱۹۹۰ توسط «برزان ابراهیم تکریتی» نماینده ما در ژنو از آقای سیروس ناصری نماینده شما دریافت شد. پایه قرار دادن قرارداد ۱۹۵۷ به عنوان اصول منسجم با آنچه در نامه ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ به‌ویژه در مورد تبادل اسرا و بندهای ۶ و ۷ از قطعنامه ۵۹۸ آمده است.» رک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، متن نامه‌های مبادله شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق.



میلادی آمریکا و ناتو با عراق، نه تنها خود، بلکه رژیم بعث عراق را به نابودی کشاند و در نهایت پس از یازده سال کتمان و سکوت در ۱۸ آذرماه ۱۳۷۰، طی گزارش شورای امنیت سازمان ملل عراق از سوی خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل متحد به عنوان متجاوز شناخته شد.<sup>۱</sup> اما ایران به جز هدف تنبیه متجاوز که مقداری دیرتر محقق شد، به تمام اهداف خود دست پیدا کرد. چنانکه صدام در نامه مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ خود به رئیس‌جمهور وقت ایران اکبر هاشمی رفسنجانی این چنین نوشت:

«آقای رفسنجانی رئیس‌جمهور، با این تصمیم ما، همه چیز روشن و تمام خواسته‌ها و مسائلی که بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و چیزی نمانده است مگر آنکه موافقت‌نامه‌ها آماده و امضا شود تا هریک از ما جهت ورود به زندگی جدید، اشراف واضح داشته باشیم».<sup>۲</sup>

### نتیجه:

خسارات جنگ به حدی است که مفهوم پیروزی و شکستی که بسیاری در نظر دارند مبهم خواهد ماند اما پاسخ به این سؤال که صدام پس از تحمیل میلیاردها دلار هزینه و خسارات زیربنایی و تلفات و ویرانی‌های سرسام‌آور

۱. سالروز اعلام متجاوز بودن عراق در جنگ تحمیلی، خبرگزاری ایسنا، ۱۸ آذر ۱۴۰۰،

isna.ir/xdKCYw

۲. ر.ک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، متن نامه‌های مبادله شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق.



برای تحقق تمام وعده‌هایی که به ملت خود و جهانیان داده بود چه به دست آورد و چه چیزی مانع تحقق تمام این اهداف و اهداف حامیان وی گردید، مشخص می‌کند که چه طرفی به مفهوم پیروزی و شکست نزدیک شده است.

### کلمات کلیدی:

جنگ تحمیلی، دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق، پیروزی در جنگ.



## کتابنامه

۱. طباطبایی، فاطمه، «ره صدساله»، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷ش.
۲. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸ش.
۳. اهوازی، عبدالرزاق، امام خمینی به روایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم، ۱۳۹۲ش.
۴. بیل، جیمز، شیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی)، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱ش.
۵. پارسا دوست، منوچهر، زمینه‌های تاریخی اختلافات ایران و اعراب، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
۶. حیدری، محمد محسن، «جهاد دفاعی از منظر فقه‌های امامیه با تأکید بر آراء امام خمینی در دفاع مقدس»، اندیش نامه ولایت، شماره ۶، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸.
۷. دعایی، سید محمود، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۸. فیروزآبادی، سید حسن و حسن دهقانی، «نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری آن رد جنگ احتمالی



- آینده (با تأکید بر جنگ نرم)، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفدهم، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱.
۹. گل پرور مجید و پریسا خراسانی اسماعیلی، «بررسی مقایسه‌ای نقش سیاست دو ستونی آمریکا در سیاست خارجی ایران و عربستان در دوره پهلوی دوم»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۳، سال ۱۳۹۵، دوره ۹، صفحات: ۱۶۱-۱۸۰.
۱۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، متن نامه‌های مبادله شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. مرندی، مهدی، داود سلیمانی، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی (س)، تهران: چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۲.
۱۲. مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. نیکسون، ریچارد، جنگ حقیقی، ترجمه جعفر ثقة‌السلام، تهران: مؤسسه انتشارات نوین، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. وزارت امور خارجه اداره کل امور حقوقی، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷ ش.
۱۵. ستیز با صلح، تهران: انتشارات ستاد تبلیغات جنگ، ۱۳۶۶ ش.





دفتر تبلیغات اسلامی  
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کنندگان جوان‌ها و دانشجویان هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجویان بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌های اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

